

قانون در اندیشه مقام معظم رهبری

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده	۱
۱	مقدمه	۱
۲	فصل اول - کلیات (مبانی و مفاهیم)	۲
۲	۱. تعریف قانون	۲
۳	۲. چیستی قانون	۳
۴	۳. مبانی قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران	۴
۹	فصل دوم - قانون	۹
۱۰	۱. جایگاه و اهمیت قانون و مجلس	۱۰
۱۲	۲. چیستی قانون	۱۲
۱۵	۳. ویژگی‌های قانون	۱۵
۱۷	۴. انواع قوانین و مقررات	۱۷
۲۲	فصل سوم - قانونگذاری	۲۲
۲۳	۱. مبانی قانونگذاری	۲۳
۲۹	۲. بایسته‌های قانونگذاری	۲۹
۳۳	۳. جایگاه شورای نگهبان	۳۳
۳۴	فصل چهارم - قانون‌گرایی	۳۴
۳۴	۱. ولی فقیه و قانون	۳۴
۳۶	۲. اهمیت قانون‌گرایی	۳۶
۳۶	۳. تساوی در برابر قانون	۳۶
۳۷	۴. عمل به قانون	۳۷
۳۸	۵. بایسته‌های اعمال قانون	۳۸
۳۹	۶. قانوندان‌های قانون شکن	۳۹
۴۰	۷. پرهیز از قانون‌شکنی	۴۰
۴۰	۸. لزوم فرهنگ قانون‌گرایی	۴۰
۴۱	نتیجه‌گیری	۴۱
۴۲	منابع و مأخذ	۴۲



قانون در اندیشه مقام معظم رهبری

چکیده

از دیدگاه مقام معظم رهبری، قوانین اسلامی تحقق بخش ضوابط اسلام است و نرم افزار اداره کشور به شمار می آیند؛ یعنی قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نفی تفکر جدایی دین از سیاست است و نمایندگان مجلس در چارچوب ضوابط شرع مقدس اسلام، به اعمال ولایت در امر قانونگذاری می پردازند. از این رو شورای نگهبان قانون اساسی متولی نظارت و انطباق قوانین با شرع و قانون اساسی است تا قوانین از چارچوب موازین اسلامی خارج نشوند. از دید ایشان قانون باید عادلانه، مستحکم، با ثبات، آرمانگرا و واقع بین بوده و بتواند هدفی که از وضع آن مورد نظر بوده است را تأمین کند.

مقدمه

قانون از ضرورت های زندگی اجتماعی بشر است و فقدان آن بی نظمی، نابسامانی و هرج و مرج را به دنبال خواهد داشت. جوامع گوناگون با مبانی فکری و ایدئولوژی های متفاوتی که داشته اند با دریافت های متنوعی از مفهوم قانون، سعی در تنظیم قوانینی برای اداره جامعه خود داشته اند. اصل مشترک همه این دریافت ها این است که قانون، قاعده ای الزام آور است که ایجاد حق و تکلیف می کند و همگان موظف به اطاعت از آن هستند.

در تفکر غربی، قانونگذاری حق مردم دانسته شده و مجالس قانونگذاری منتخب مردم عهده دار این امر هستند. در نظام جمهوری اسلامی ایران، امر قانونگذاری حق خداوند متعال دانسته شده است و در قالب مردم سالاری دینی، مجالس منتخب مردم عهده دار وضع قوانین و فراهم آوردن سازوکار قانونی در چارچوب تعالیم و حیانی شده اند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، بررسی قانون، مبانی قانونگذاری، ویژگی های قانون مطلوب و انواع قوانین موجود در نظام جمهوری اسلامی، از جمله مهمترین مباحث در شناخت ماهیت قانون و قانونگذاری است. این مهم در گزارش حاضر در جوانب مختلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فصل اول - کلیات (مبانی و مفاهیم)

در این فصل، تعریف قانون و ماهیت آن و نیز آشنایی با مبانی قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

۱. تعریف قانون

درخصوص واژه قانون اتفاق نظر وجود ندارد. عده‌ای آن را عربی دانسته و ریشه آن را «قن» می‌دانند که بر وزن فاعول به کار رفته و بر کمال و بذل جهد دلالت دارد. عده‌ای نیز آن را عربی نمی‌دانند. از این عده، برخی آن را مأخوذ از واژه لاتین *kanon* به معنای خطکش و برخی نیز ریشه آن را نوموس^۱ یونانی دانسته‌اند که از زبان سریانی وارد زبان عربی شده است. معنای اولیه و اصلی این واژه، خطکش بوده که به تدریج در عرف به معنای قاعده استفاده شده و در اروپا به معنای شریعت کلیسایی به کار رفته است.^۲ واژه قانون در لغت فارسی به معنای رسم، قاعده، روش و آیین استفاده می‌شود.^۳

مفهوم قانون در اصطلاح حقوق، در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود: قانون در مفهوم عام شامل هر نوع قاعده حقوقی می‌شود که به صورت گزاره‌ای مکتوب به وسیله یک مقام صلاحیت‌دار اعم از قوه مقننه یا غیر آن همچون مجلس مؤسسان، هیئت دولت یا هریک از وزیران وضع می‌شود و نیز شامل سلسله‌مراتبی از مهمترین تا کم‌اهمیت‌ترین مرتبه است که معمولاً در مرتبه اول، قانون اساسی قرار دارد که مرجع ایجاد آن مجلس خبرگان یا مؤسسان است.

در مرتبه دوم، قانون عادی است که به وسیله مجالس قانونگذاری کشورها وضع می‌شود. در مرتبه سوم، مصوبات قوه مجریه قرار دارد که شامل تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌هاست.

در مرتبه دیگر، آرای وحدت رویه قرار دارد که در مقام تعارض دو رأی متفاوت درباره موضوعی خاص، دیوان عالی کشور رأی صادر می‌کند و از آن به بعد ملاک عمل دادگاه‌ها قرار می‌گیرد و در حکم قانون است.^۴

1. Nomos

۲. صبیحی محمصانی، فلسفه قانونگذاری در اسلام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸.

۳. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.

۴. سید فضل‌الله موسوی، چرایی تصویب یک قانون و زمان مناسب آن، مجموعه مقالات همایش یکصدمین سال قانونگذاری، تهران،

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۲۲.



قانون در مفهوم خاص به بخشی از قواعد حقوقی اطلاق می‌شود که از سوی قوه مقننه و با تشریفات خاص وضع می‌شود.^۱

ویژگی‌های قانون عبارتند از:

- ضمانت اجرایی قانون که معطوف به عمل باشد.

- استمرار قانون، هر چند که دائمی نباشد. مثلاً وضع قانون در دو سال (قانون آزمایشی)،

- کلی بودن قانون که بیش از یک نمونه یا مصداق داشته باشد. از این رو گفته شده که قانون

بودجه واقعاً قانون نیست، بلکه مجازاً قانون است. زیرا این قانون فقط یک مصداق دارد.^۲

۲. چیستی قانون

همان‌گونه که در اصل واژه قانون اختلاف نظر است، در مورد ماهیت قانون نیز اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف نظر در مورد ماهیت و چیستی قانون به مراتب بیشتر و قابل تأمل‌تر است. زیرا سخن از ماهیت قانون تا حدود زیادی به نوع نگرش و بینش نسبت به انسان، جامعه، حقوق و تکالیف بستگی دارد.

عده‌ای قانون را فرمان متکی به مجازات دانسته^۳ و برخی آن را قاعده‌ای اجتماعی – تاریخی معرفی کرده‌اند.^۴

در نظر ارسطو، قانون ابزار سیاست و در حقیقت تجلی اخلاق است.^۵

از نظر دورکین، قانون نه صرفاً اجتماعی و نه صرفاً اخلاقی است. بلکه نتیجه قرارداد اجتماعی و اصول اخلاقی است. یعنی قانون، قاعده‌ای است که به تصویب دستگاه قانونگذاری می‌رسد و با اصول اخلاق و عدالت منطبق است.^۶

از دیدگاه برخی قانونی دارای نفوذ و قدرت اجرایی است که از برهان و دلیل معقول ناشی شده باشد. در همین راستا آکویناس نیز معتقد است قانون، قاعده‌ای عقلانی است که رفتار انسانی را به سوی غایت آن هدایت می‌کند. به دیگر سخن، قانون فرمان عقل است که برای تأمین خیر عمومی، توسط شخص یا نهادی که مسئول حفاظت از جامعه است، صادر می‌شود.^۷

۱. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰.

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۱، ص ۲۶.

۳. توماس هابز، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۴.

۴. ژان ژاک روسو، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۰، صص ۱۹۱-۱۹۲.

۵. ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، صص ۱۳۱-۱۳۲.

۶. رونالد دورکین، نافرمانی مدنی، ترجمه محمد راسخ، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱، صص ۱۲۷-۱۴۷.

۷. محمدراسخ، بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، زمستان ۱۳۸۴، صص ۲۱-۲۲.

انسان از دیدگاه غربی، محور، اصل، موضوع و میزان همه چیز است و عقل بشر برای هدایت و سعادت او کافی است و نیازی به وحی ندارد. از این دیدگاه هیچ نیازی به بعثت انبیا نبوده و دلیلی وجود ندارد که مردم به وحی و نبوت گرایش داشته باشند. زیرا رهاورد انبیا اگر موافق عقل باشد، صاحبان عقل حسابگر از آن بی‌نیاز بوده و حاجت و فایده‌ای در گرایش به وحی نیست و اگر مخالف عقل باشد، پذیرش آن سودمند نبوده و نافع نخواهد بود.^۱

عموم متفکران شیعه، قانون را معادل قانون الهی می‌دانند. زیرا خداوند مالک انسان‌هاست و لذا تنها او صلاحیت امر و نهی را نسبت به انسان‌ها دارد.

درخصوص قانون الهی چند تبیین وجود دارد:

تبیین اول: قانون شامل مجموعه قراردادهای اجتماعی می‌شود که برای ساختار امور عامه تنظیم می‌گردد.^۲

تبیین دوم: قانون در جوامع دینی همان تعالیم و احکام وحیانی است که تحت عنوان شرع مقدس بر انبیا، ابلاغ شده است.^۳

تبیین سوم: ماهیت قانون را ایجاد حق و تکلیف برای دیگران می‌داند.^۴

تبیین چهارم: قانون را وسیله لازم برای نیکبختی و کمال عمومی می‌داند که شعوری بالاتر از عقل و خرد (وحی) است.^۵

۳. مبانی قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران

نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی خاص و متکی بر تعالیم الهی-اسلامی است. از این رو قانون و قانونگذاری متأثر از تعالیم اسلامی می‌باشد. یعنی لازم است قانون و قانونگذاری با در نظر گرفتن اصول و مبانی آن مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

در این بخش به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران حق کیست؟ جایگاه ولایت فقیه و رأی مردم در این نظام حقوقی چیست؟ پاسخ به این پرسش‌ها ابعاد دیگری از نظام قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران را آشکار خواهد کرد.^۶

۱. به نقل از عبدالله جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، نشر اسرا، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸.

۲. همان، ص ۴۴.

۳. قانون و قانونگذاری در آرای اندیشمندان شیعه، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰.

۴. محمدتقی مصباح یزدی، نظریه حقوقی اسلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰، ص ۱۷۷.

۵. محمدحسین طباطبایی، شیعه در اسلام، کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۵۴، صص ۱۸۴-۱۵۹.

۶. قانون و قانونگذاری در آرای اندیشمندان شیعه، مجموعه مؤلفان، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹.



۱-۳. چه کسی حق قانونگذاری دارد؟

تأمل در تعریف و ماهیت قانون از دیدگاه متفکران غربی و اسلامی، ذهن را به این مهم رهنمون می‌سازد که در ماهیت قانون، ایجاد حق و تکلیف برای اشخاص نهفته است. در مورد ماهیت قانون تفاوت دیدگاه‌های غربی و اسلامی را باید در تفاوت جهان بینی آن دو جستجو کرد که در اینجا به جهان بینی اسلامی اشاره می‌شود.

در تفکر اسلامی، انسان مخلوق خداست.^۱ او هویتی مادی و ملکوتی دارد^۲ و به سوی خدا در حرکت است.^۳ خداوند انسان را عبث و بیهوده خلق نکرده^۴ و به حال خود وانگذاشته است، بلکه او هر آنچه برای سعادت و هدایت انسان لازم بوده، ارسال کرده^۵ و دو حجت ظاهری و باطنی برای بشر قرار داده که این دو با هم و در کنار هم ضامن خیر و سعادت بشر می‌باشند.^۶

براساس جهان بینی اسلامی، قانونگذار فقط خداست.^۷

در اثبات این اصل دلایلی بیان می‌شود:

دلیل اول: آفریدگار انسان، خدای علیم و حکیم است که او را برای مقصد و هدفی عالی آفریده و انسان حقیقتی جاودانه است. او باید در «صراط مستقیم» به سوی ابدیت حرکت کند تا از این راه، سعادت ابدی خود را تأمین نماید و اگر در این راه مرتکب خطا شود، دچار شقاوت و محرومیت از سعادت ابدی خواهد شد. چون انسان مخلوق خدای علیم و حکیم است، فقط خداوند به حقیقت انسان، ابعاد وجودی و نیازهای او واقف و آگاه است و هیچ کس جز او نمی‌تواند انتظارات او را برآورده سازد.^۸

دلیل دوم: بر انحصار قانونگذاری خداوند متعال این است که ولایت، تنها از آن خداست.^۹ چون او ولایت همه جانبه بر جهان دارد و بر انجام همه کارها تواناست و از این رو حق اوست که برای موجودات در جهان حریمی قائل شود و برای هر حریمی مقرراتی برنهد.^{۱۰}

دلیل سوم: اختصاص قانونگذاری به خداوند این است که براساس جهان بینی الهی همه

۱. بقره، آیه ۲۱: ای مردم، پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است، پرستش کنید، باشد که به تقوا گرایید.

۲. حجر، آیه ۲۹: و از روح خود در او دمیدم.

۳. بقره، آیه ۱۵۶: ما از آن خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم.

۴. مؤمنون، آیه ۱۱۵: آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما باز نمی‌گردید؟

۵. انعام، آیه ۳۸: ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم.

۶. محمد کلینی، الکافی، اسلامی، ج ۱، ص ۱۷.

۷. امام خمینی، الرسائل، اسماعیلیان، قم، ۱۳۴۳، ص ۱۰۰ و جوادی آملی، شریعت در آئینه معرفت، اسراء، ۱۳۷۷، ص ۱۱۷ و مصباح یزدی، توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام، انتشارات شفق، ۱۳۷۳، صص ۲۲-۲۱.

۸. جوادی آملی، انتظار بشر از دین، نشر اسراء، ۱۳۸۰، صص ۳۶-۳۵.

۹. شوری، آیه ۹: تنها خداوند سرپرست و یاور است.

۱۰. جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، نشر اسراء، ۱۳۷۵، ص ۱۱۰.

مخلوقات جهان تکویناً در برابر خالق و آفریدگار خویش، خاضع و متواضعند و قوانین تکوینی خود را از او دریافت می‌کنند. انسان نیز که جزئی از جهان هستی است و قوانین تکوینی خویش را از خدا می‌گیرد، لاجرم علاوه بر تکوین از نظر تشریح نیز باید از خدای سبحان اطاعت کند. زیرا خالق و رب جهان خداوند است و از این جهت باید تشریح قوانین انسانی با تکوین آن هماهنگ باشد.^۱ در حقیقت تشریح و قانونگذاری زمانی درست و بر حق است و انسان را به سعادت می‌رساند که هماهنگ با تکوین، آفرینش انسان و جهان باشد. یعنی تأثیر و تأثر انسان و جهان با یکدیگر مشخص و محدود است. از این رو قانونی سعادت‌آور است که با این سه امر تکوینی هماهنگی داشته باشد.

قانونگذار کسی است که انسان و جهان را آفریده و رابطه متقابل او و جهان را تنظیم کرده است. هر دو در مقام تکوین و در آفرینش و هستی خود نسبت به خداوند عبودیت دارند. از این نکته دانسته می‌شود انسان در قانونگذاری و تشریح نیز باید عبد خدا باشد.^۲

با تأمل در آنچه بیان شد عقل حکم می‌کند که قانونگذاری وظیفه خداست و هیچ کس غیر او چنین وظیفه و حقی ندارد.

انحصار و اختصاص حاکمیت و تشریح به خداوند متعال از اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران است. مطابق اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او و نیز نظامی است بر پایه وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.^۳ از همین رو کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد.^۴

۲-۳. جایگاه ولایت فقیه

پیش‌تر روشن شد که حاکمیت و تشریح از آن خداوند است و پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) از سوی او به عنوان حاکم، تبیین‌کننده حکم و رفع‌کنندگان خصومت‌های بین مردم و نیز واضعان قوانین برای اداره جامعه اسلامی منصوب شده‌اند. سؤال این است که این وظایف را در زمان غیبت چه کسی باید عهده‌دار شود؟

در زمان غیبت آنچه از سوی خداوند متعال، رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در خصوص علم و حاملان آن وارد شده و نیز آنچه در خصوص حق علما در احادیث بیان شده است، از قبیل اینکه حصون اسلام و امان و ورثه انبیا و جانشینان رسول الله (ص) هستند و منزلت آنها منزلت انبیا

۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، نشر اسراء، ۱۳۷۸، ص ۲۸۰.

۲. جوادی آملی، ولایت فقیه، ولایت فقهات و عدالت، نشر اسراء، ۱۳۷۹، صص ۵۷-۵۳.

۳. اصل دوم قانون اساسی.

۴. اصل چهارم قانون اساسی.



بنی اسرائیل است، حکم ایشان نافذ خواهد بود.^۱

فقها، کشف و استنباط احکام و قوانین اسلامی را از منابع آن در حوادث گوناگون و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی از طریق «اجتهاد» انجام می‌دهند. واقعیت این است که اجتهاد فقهای عظام در مواردی با همدیگر متعارض است. از طرفی لازم است در زمینه حکومت و اداره جامعه تنها یک رأی و نظر حاکم باشد. از این رو چنانچه یک فقیه، اعلم از دیگران باشد، در رهبری و ملکاتی که مربوط به رهبر است، اتقی و اعلم باشد، مدیرتر و مدبرتر و سیاستمدارتر باشد، بینش سیاسی - اجتماعی اش بیشتر باشد، او در عصر غیبت مطابق ضوابط اسلامی به نحو «تعیین» - البته به نصب عام نه نصب خاص - برای رهبری منصوب گردیده است.^۲

مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) برعهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر نهاده شده است.^۳ احکام و دستورات چنین فقیهی در زمینه مسائل اجتماعی و اداره حکومت بر همه - حتی سایر فقها - لازم‌الاطاعه می‌باشد.

از دیدگاه اسلام، حکومت شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) و یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج می‌باشد.^۴ با این نگرش، ولی فقیه حافظ منافع مسلمین در خصوص اداره کشور، تأمین نیازها و خدمات عمومی، حفظ صلح و امنیت اجتماعی و نیز ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل خود بوده و از اختیارات وسیعی همانند حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) برخوردار خواهد بود. از آنجایی که انجام همه امور از عهده یک فرد خارج است، این امور گوناگون را نهادهای مختلفی به‌عنوان نمایندگان و بازوان ولی فقیه در جامعه اسلامی زیر نظر او انجام می‌دهند. از جمله این نهادها در عرصه تقنین مجلس شورای اسلامی است که مطابق قانون اساسی، در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.^۵

۳-۳. جایگاه رأی اکثریت

در اسلام مراجعه به نظر و رأی مردم و مشورت با آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. سؤال اساسی این است که آیا خواست و رأی اکثریت مردم می‌تواند ملاک و معیار حق باشد؟ توضیح

۱. امام خمینی، الرسائل، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۴۳، ص ۱۰۰.

۲. جواد آملی، ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، نشر اسراء، ۱۳۷۹، صص ۳۹۲-۳۹۱.

۳. اصل پنجم قانون اساسی.

۴. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰.

۵. اصل هفتادویکم قانون اساسی.

اینکه در نظام اسلامی در بعضی موارد و مراحل، رأی اکثریت معتبر است و جایگاه خاص خود را دارد، اما این اعتبار رأی اکثریت را باید در مقام «تشخیص حق» دانست نه «تثبیت حق»، زیرا حق را وحی الهی تبیین و تثبیت می‌کند و در مقام اجرای حق، رأی اکثریت کارساز است. در مواردی که تشخیص حق دشوار باشد و صاحب‌نظران با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند، رأی اکثریت معیار و ملاک عمل است.

در حکومت اسلامی، حق و قانون پیش از اکثریت و مقدم بر آن است و اکثریت، «کاشف حق» است نه ایجادکننده آن. در حالی که در نظام‌های دموکراسی اکثریت مقدم از حق، قانون و به‌وجود آورنده آن است.

در اسلام، اعتبار رأی اکثریت در مقام عمل و اجراست. یعنی رأی اکثریت مردم در کارهای اجرایی معتبر است. مردمی که در بخش قانونگذاری، حوزه نبوت و امامت معصوم (ع) و در بخش حاکمیت، ولایت و رهبری پذیرای حق باشند، تشخیص آنان در مسائل اجرایی حجت است و با حضور و رأی آزادانه و اندیشمندانه در سرنوشت خود سهیم هستند و برای رفع مشکلات و تأمین نیازهای خود افرادی را به‌عنوان وکیل انتخاب می‌نمایند و به مجلس شورای اسلامی یا به مجلس خبرگان و مانند آن می‌فرستند.

در نظام دینی و اسلامی، دو نوع رأی اکثریت محترم و معتبر است: یکی در مقام اجرا و عمل و دیگری در مقام تشخیص قانون الهی که از جانب وحی و دین ارائه شده است. کسانی که خود توانایی تشخیص قانون دینی را ندارند، قانون‌شناسان را با رأی اکثریت تعیین می‌کنند و قانون‌شناسان با رأی اکثریت خود، قانون الهی را می‌شناسند.^۱

در نظام حقوقی اسلام در کنار اهتمام به جایگاه مردم و رأی آنان باید به این نکته توجه داشت که «دموکراسی در قانون» که انسان خود را بی‌نیاز از قانون الهی بداند و یا خود را مجاز در تغییر احکام خداوند بداند، با توحید و دینداری ناب ناسازگار است. اگر کسی با رأی خود یا دیگران بخواهد احکام قطعی دین مانند نماز و روزه را تغییر دهد، چنین امری اگرچه به نام دموکراسی باشد، مردود و باطل است. دموکراسی در نحوه اجرای احکام و نیز در موضوعات که کسی بگوید ما همه احکام الهی را چه در عبادات چه در معاملات و چه در حدود و دیات قبول داریم، ولی در موضوعات که چگونه آنها را پیاده کنیم، کشور را چگونه اداره کنیم، سیستم و ساختار امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی چگونه باشد و مانند آن، با نظر مردم و اکثریت صورت می‌پذیرد و این دموکراسی مخالف توحید نیست و لذا مقبول است و در دین و حکومت اسلامی نیز مورد توجه

۱. جوادی آملی، پیشین، صص ۹۰-۹۲.



قرار گرفته است.^۱

از دیدگاه اسلام نفوذ و تأثیر رأی مردم را در حوزه «منطقه الفراغ» می‌توان در نظر گرفت. در شریعت اسلام که بخشی به نام «منطقه الفراغ» وجود دارد، مردم به آسانی می‌توانند در حکومتی که براساس این دین اداره می‌شود، نقش ایفا کنند. منطقه مذکور شامل همه اموری است که دلایل فقهی، ممنوعیت یا التزام خاصی را در آن ارائه نکرده است و مردم براساس آن می‌توانند با تکیه بر برهان عقلی یا تجارب و ثوق‌آور در تعیین بسیاری از مسائل دولتی و حکومتی نقش بیافرینند.^۲

براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.^۳ اعمال این اصل بدین معنا نیست که مجلس صلاحیت دارد در عرض خداوند متعال قانونگذاری کند، بلکه قانونگذاری در مجلس شورای اسلامی به معنای برنامه‌ریزی و تشخیص موضوع است نه حکم.^۴

این نکته در نامه امام خمینی (ره) به آیت‌الله گلپایگانی مورد اشاره قرار گرفته است. ایشان در پاسخ به نامه آیت‌الله گلپایگانی درخصوص حدود اختیارات مجلس شورای اسلامی در وضع قوانین منطبق با احکام اولیه و ثانویه چنین آورده اند: «... تلگراف محترم مبنی بر نگرانی جنابعالی در اختیاراتی که به مجلس داده شده است واصل گردید، اختیارات مذکور تشخیص موضوع است که در عرف و شرع به عهده عرف است و مجلس نماینده عرف و نمایندگان خود از عرف هستند و اگر در حکم خلافی شد نظارت بر آنها هست و شورای نگهبان در این امری که به عهده آنهاست، حق دخالت دارند اگر در حکم ثانوی یا اولی خطایی صادر شود لکن شورای نگهبان حق تشخیص موضوعات به حسب قانون ندارند».^۵

فصل دوم - قانون

پس از بیان کلیات و مبانی مربوط به بحث قانون و قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران، در این فصل به بیان دیدگاه مقام معظم رهبری در زمینه و دیگر مسائل مربوط به این حوزه خواهیم پرداخت.

۱. همان، ص ۵۱۵.

۲. جوادی آملی، نسبت دین و دنیا، نشر اسراء، ۱۳۸۱، ص ۱۱۹.

۳. اصل هفتادویکم قانون اساسی.

۴. امام خمینی، ولایت فقیه، سپهر، قم، ۱۳۵۷، ص ۵۳.

۵. امام خمینی، پیشین، ص ۳۱۱.

۱. جایگاه و اهمیت قانون و مجلس

۱-۱. اهمیت قانونگذاری

رفع مشکلات و معضلات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی هر کشور در حرکت به سمت آرمان‌های ملت و شناخت دقیق مشکلات و وضع قوانین متناسب است. از این‌روست که امر قانونگذاری اهمیت فوق‌العاده‌ای در اداره و پیشبرد امور کشور پیدا می‌کند.

مقام معظم رهبری، در این زمینه خطاب به نمایندگان مجلس می‌فرماید: «نباید قانونگذاری را به چشم یک امر کوچک و فردی و جدای از یکدیگر نگاه کرد. مجموعه قوانینی که شما می‌گذارید - چه به صورت قانون‌های جدا جدا، چه به صورت قانون بودجه یک‌ساله، چه به صورت برنامه‌های بلندمدت پنج‌ساله و یا اگر همت کنید، بیشتر - همه اینها عبارت است از آن چیزی که این کشور در آن طریق سیر خواهد کرد.^۱

از دیدگاه مقام معظم رهبری، قانون راهی است که توسط مجلس بر سر راه ملت و دولت گذاشته می‌شود و ملت و دولت با طی آن به مقاصد و اهداف خود نائل می‌شوند: «راه این کشور و این ملت، همین قانونی است که شما می‌گذارید. دولت هم تابع شماست. قانون شماست که دولت را موظف و مکلف می‌کند که باید از این طرف و یا از آن طرف حرکت کند. پس، همه چیز به شما برگشت ... اگر در این کشور، یک عارضه اقتصادی یا فرهنگی یا سیاسی وجود دارد که برای ملت یا برای اسلام مضر است و یا اینکه برای ملت، معوق رسیدن به راه‌های اهداف هدایت و اهداف نهایی و آرمان‌هاست، حل این مشکل به شما نگاه می‌کند. شما هستید که موظفید. اگر شما قانون تصویب نکنید. دولت می‌تواند دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید من کاری ندارم بکنم. البته دولت چنین کاری نخواهد کرد. دولت کمک و پشتیبان و راه‌اندازنده مجلس است و در واقع با لوائح و پیشنهادهای و با کارشناسی خود، مجلس را یاری می‌دهد».^۲

۱-۲. قانون بد و بی‌قانونی

از جمله اهداف قانون برقراری نظم و ساماندهی به امور در جهت حرکت به سوی آرمان‌هاست. طبیعی است که فقدان قانون یا نقض آن در جامعه‌ای منجر به نابسامانی، هرج و مرج و بی‌نظمی خواهد شد و در چنین شرایطی هیچ جامعه و ملتی نخواهد توانست، انسجام و استحکام یافته و در مسیر رشد، سازندگی و خودساختگی گام بردارد. در اوضاع هرج و مرج و بی‌سروسامان، آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد، استقرار نظم در جامعه است. برقراری چنین نظمی، نیازمند قانون است

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۳/۲۹.

۲. همان.



تا بتواند با اتکا به ضمانت اجرایی که از سوی حکومت به دست می‌آورد، نظم را در جامعه برقرار سازد. اگر قانونی بد و نادرست باشد، اوضاع و احوالی که در اثر آن در جامعه برقرار خواهد شد به مراتب بهتر از شرایط بی‌قانونی خواهد بود. از همین روست که می‌توان گفت قانون بد بهتر از بی‌قانونی است.

در این زمینه مقام معظم رهبری می‌فرماید: «من معتقدم باید به قانون عمل کرد؛ چه به نفع ما باشد، چه به ضرر ما. خیلی از قوانینی که در مجلس تصویب می‌شود، ممکن است مورد قبول شما نباشد؛ خیلی از مصوبات دولت ممکن است مورد قبول شما و من نباشد؛ اما به همان چیزی هم که قبول نداریم، باید عمل کنیم و این منطق دارد. منطق این است که قانون بد بهتر از بی‌قانونی و نقض قانون است. اینکه ما قانون را هر جا طبق میل ما از آب درمی‌آید، قبول داشته باشیم؛ هر جا نتیجه‌اش طبق میل ما از آب در نمی‌آید، قبول نداشته باشیم، منطقی نیست».^۱

۳-۱. اهمیت مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی، مرکز اساسی انقلاب و مظهر ظهور اراده مردم در صحنه‌های گوناگون سیاسی و اجرایی کشور است. از دیدگاه مقام معظم رهبری مجلس، جایگاه والایی در نظام اسلامی دارد و مهمترین مظهر الگوی مردم‌سالاری دینی محسوب می‌شود. اطلاق مفهوم «ویتترین نظام اسلامی» از سوی رهبر انقلاب به مجلس، با توجه به کاربرد کلمه ویتترین در عرف مردم، نشان از اهمیت و جایگاه مجلس به عنوان یکی از نهادهای مؤثر و مهم حاکمیت ملی دارد. زیرا مردم اصولاً چیزهای خوب و ناب را در ویتترین منزل مسکونی یا محل کار خود می‌چینند. مجلس هم به‌عنوان ویتترین نظام باید از بهترین افراد جامعه شکل بگیرد و متضمن تصویب بهترین مصوبات و راه‌گشایترین نظارت و عملکرد باشد تا بر آن مصداق ویتترین نظام صدق کند.

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «مجلس، مهمترین مظهر مردم‌سالاری دینی است».^۲ حال که مجلس از چنین اهمیتی برخوردار است لازم است نمایندگان محترم، بیش از پیش به جایگاه خود توجه داشته و تحت هیچ شرایطی اهمیت تصمیم و موضع‌گیری در مجلس را مورد غفلت قرار ندهند. زیرا «مجلس مرکز و قله و به تعبیری ویتترین مجموعه نظام اسلامی است که جلوی چشم قرار دارد»^۳ و «جایگاه مجلس، جایگاهی است بسیار عالی؛ انعکاس نظرات و اراده ملت در قوانین و مقررات کشور و رگه‌های اجرایی کشور است، این چیز کمی نیست».^۴

۱. بیانات در دیدار استانداران سراسر کشور، ۱۳۸۲/۱۰/۲۲.

۲. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره هفتم مجلس، ۱۳۸۲/۳/۲۷.

۳. همان.

۴. بیانات در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران، ۱۳۷۰/۰۹/۲۷.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، قوانین مجلس شورای اسلامی از چنان جایگاه و اهمیتی برخوردار است که می‌توان گفت دین، اسلام و انقلاب همان چیزی است که در قالب قوانین مجلس شورای اسلامی تصویب شده است و از تأیید بزرگان و فقهای محترم شورای نگهبان یا بعضی از مراکز مثل مجمع تشخیص مصلحت و غیره گذشته باشد.^۱

براساس دیدگاه مقام معظم رهبری می‌توان گفت انقلاب، یعنی قوانینی که از این مراجع خارج شده است. زیرا اگر انقلاب در خلال ماده، قانون، آیین‌نامه، مقررات مجسم و متجسد نباشد، یک چیز خیالی و بی‌ضابطه خواهد شد که هر کسی هر طور دلش خواست، آن را تفسیر خواهد کرد و حال آنکه چنین نیست. دین، شرع و اسلام چیزی است که مبادی اسلامی آن را قانون کرده‌اند و در اختیار همگان قرار داده‌اند.^۲

جمهوری اسلامی ایران، نظامی است که محتوای آن را اسلامیت تشکیل می‌دهد که برای محقق شدن این محتوا در همه عرصه‌های کشور لاجرم باید چاره‌های اندیشید و مسیری را پیمود. از جمله مطمئن‌ترین راه‌هایی که برای تحقق محتوای اسلامیت نظام باید در نظر گرفت، تحقق ضوابط اسلام در قالب قوانین رسا و شفاف است.

از نظر مقام معظم رهبری در یکصد سال اخیر، همواره تشکیل مجلسی که با مشارکت مردم به‌وجود آید که موجب قانونمند شدن مدیریت‌ها، نظارت‌پذیری مدیران، تحقق بخشیدن به هدف‌ها براساس ضوابط اسلام در قالب قوانین رسا و شفاف باشد، در صدر خواسته‌های ملت ایران و رهبران دینی و ملی در مبارزات پرهزینه آنان قرار داشته است.^۳ از این‌رو برای تحقق مجلسی که عقل اجتماعی و روح مشورت را در راه پیشرفت کشور و سامان بخشیدن به مصالح ملت و تعالی اسلامی به کار گیرد، جان‌های پاک بسیاری فدا شده و خون‌های شریفی بر زمین ریخته است.^۴

۲. چیستی قانون

۲-۱. مفهوم قانون

هر نظام حکومتی، برای تحقق اهداف و آرمان‌هایی شکل می‌گیرد. این اهداف و آرمان‌ها در هر کشوری در میثاقی ملی و همگانی به نام قانون اساسی نوشته شده و به تأیید و تصویب همگان می‌رسد. در کشور ما قانون اساسی در همه بخش‌های خود هدف‌هایی را معین کرده است؛ هم در

۱. بیانات در دیدار با جمعی از ناظران و اعضای هیئت نظارت شورای نگهبان و هیئت اجرایی در انتخابات مجلس خبرگان و مسئولان وزارت کشور، ۱۳۶۹/۷/۴.

۲. همان.

۳. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷/۳/۷.

۴. همان.



بخش حقوق مردم، هم در بخش تشکیلات دولتی و هم در سایر بخش‌ها. از این رو هر اصلی از اصول قانون اساسی در واقع هدف و سرمنزلی است که باید به آن رسید.^۱ با وجود این صرف نگارش این اهداف و آرمان‌ها در قانون اساسی تضمین‌کننده تحقق آنها نیست، بلکه لازم است تا از راه‌ها و جاده‌هایی به سمت این اهداف و آرمان‌ها حرکت کرد و به آنها دست یافت. تمامی دستگاه‌های اجرایی اعم از قوه مجریه، قضائیه، نیروهای مسلح و همه دستگاه‌هایی که نهادهای دولتی محسوب می‌شوند و بخشی از اداره کشور برعهده آنهاست باید به سمت هدف‌هایی که در قانون اساسی ترسیم شده حرکت کنند. حرکت این دستگاه‌ها به سمت آن اهداف از طریق جاده «قانون» امکانپذیر است.

از نظر مقام معظم رهبری، قانون، جاده‌ای است که مجلس آن را به سمت هدف‌هایی که کشور و مدیران اجرایی و مسئولان باید به آنجا برسند، باز می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «قانون یعنی جاده‌ای که باز می‌شود تا مسئولان اجرایی از آن جاده حرکت کنند و با تلاش خود گوشه و کنار و زوایای کشور را آباد و اصلاح کنند».^۲

۲-۲. نرم‌افزاری قانون

قانون، در اداره امور کشور نقش بسیار اساسی دارد. گرچه دستگاه‌های اجرایی (اعم از دولتی و قضایی) بار اصلی امور اجرایی و اداره کشور را بر دوش دارند، اما این دستگاه‌ها در حکم سخت‌افزاری هستند که بدون وجود نرم‌افزار درست، قادر به پیش برد امور نخواهند بود.

از نظر مقام معظم رهبری قانون، نرم‌افزار اداره کشور است و دستگاه‌های اجرایی در حکم سخت‌افزارها هستند. اگر این نرم‌افزار، هوشمندانه، صحیح، جامع، مؤثر در ابعاد گوناگون زندگی و پُرکننده خلأها فراهم شوند، سخت‌افزارها کار خودشان را درست انجام خواهند داد. البته سخت‌افزار هم گاهی اوقات تعمیر می‌خواهد، گاهی اوقات روغن‌کاری می‌خواهد، گاهی اوقات دورانداختن می‌خواهد؛ لکن یک سخت‌افزار خوب هم با یک نرم‌افزار ناقص و غلط محصولی نخواهد داشت.^۳

با تعمق و تأمل در رسالت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر نجات انسانیت و بشریت، این نرم‌افزار و قانون از اهمیت بالاتری نیز برخوردار می‌شود. زیرا هر اندازه نرم‌افزار این نظام دقیق‌تر و مستحکم‌تر طراحی شود، مجموعه نظام اسلامی نیز با قدرت و صلابت به پیش رفته و مشکلات و معضلات گوناگون را پشت سر خواهد گذاشت و در نتیجه به کشور و جامعه‌ای الگو و نمونه در جهان تبدیل خواهد شد. در این صورت کشورهای گوناگونی که مبتنی بر مکاتبی همچون

۱. بیانات در دیدار هیئت رئیسه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱/۳/۷.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴.

۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

سوسیالیسم و لیبرالیسم به اداره جامعه خود پرداخته و اکنون شاهد نارسایی‌های آن شده‌اند، الگویی پویا، انسانی و الهی بر سر راه پیشرفت و سعادت خود خواهند یافت.

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «همان‌طور که عرض کردیم، این قانونی که شما دارید تنظیم می‌کنید، در واقع نرم‌افزار حرکت عظیم این کشور است؛ یک کشور، یک ملت، هفتاد میلیون جمعیت، که فی‌نفسه یک چیز بسیار خطیر و بسیار عظیمی است؛ در هر کجای دنیا که باشد، با هر جور مردمی که باشد، مسئولیت سنگینی است، لکن در شرایط ما، مسئله از اینها بالاتر است؛ مسئله، این است که همین کشور شما، این انقلاب شما، این نظام جمهوری شما، راه نوری را در برابر پای بشر امروز گشوده است. اینها تعارف نیست، اینها عمق و متن تفکری است که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی براساس او تشکیل شده».^۱

۲-۳. درمان قانونی

مفهوم قانون با درمان قانون شناخته می‌شود. از دیدگاه مقام معظم رهبری، قانون علاوه‌بر اینکه جاده و نرم‌افزار حرکت به سمت اهداف و آرمان‌هاست، در عین حال درمان مشکلات و راهگشای معضلاتی است که در کشور بروز می‌کند. اینجاست که اهمیت قانون و قانونگذاری بیشتر مشخص می‌شود. زیرا اهمیت کشور به تنظیم قوانین است و کشور در همه مسائل به قانون‌های راهگشا احتیاج دارد.

نمایندگان مجلس باید حقیقت را نگاه کنند، نیاز را بشناسند و طبق نیازی که وجود دارد، درمان لازم را برای هر درد و شکایتی جلوی پای مسئولین بگذارند.^۲ از این رو قانون باید راهگشا باشد. زیرا قانونی که راه‌ها را ببندد، کارها را مشکل کند، یا قابل اجرا نباشد، یا مشکلات فراوان درست کند، یا دچار تناقض باشد، فایده ندارد، بلکه قانون بایستی راهگشا و مدبرانه باشد.^۳

۲-۴. تفاوت قانون با سیاست

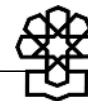
در مقام فهم قانون باید بین قانون و سیاستگذاری تمییز قائل شد و قانون را با سیاست و مرکز قانونگذاری را با مرکز سیاستگذاری اشتباه نگرفت. علاوه‌بر تفاوت‌های شکلی از قبیل مرجع صالح برای وضع قانون و سیاست، بین آن دو تفاوت‌های ماهوی نیز وجود دارد. از جمله این تفاوت‌ها به تفاوت کارکردی آن دو مربوط می‌شود.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، «قانون چیزی است که دستگاه‌های کشور به طور روزمره آن را خرج

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۰/۱۲/۱۸.

۳. همان.



می‌کنند، در این بُعد قانون را به پول خرد می‌توان تشبیه کرد که برای خرج کردن است. درحالی که مرکز سیاستگذاری، مرکزی فراتر از مرکز قانونگذاری است. این مرکز با برنامه‌ریزی کلان سروکار دارد که مرکزی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی از این نوع است.^۱

۳. ویژگی‌های قانون

قانون باید از یکسری اوصاف و ویژگی‌ها برخوردار باشد تا بتواند اهدافی را که از وضع آن دنبال می‌شود، تحقق بخشد. از دیدگاه مقام معظم رهبری برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: عادلانه بودن، استحکام، ثبات، آرمان‌گرایی و واقع‌بینی و ...

۳-۱. عادلانه بودن قانون

در جمهوری اسلامی، عدل یک پیام شخصی نیست؛ بلکه یک نظام اجتماعی است. این‌طور نیست که هر کس فقط در محیط خود، عادلانه رفتار کند. بلکه باید در جامعه نیز قائل به قسط باشد. یعنی قانون باید عادلانه باشد و علاوه اجرا، نظارت، قضاوت و تقسیم نیز باید عادلانه باشند و این ویژگی جمهوری اسلامی ارزش محسوب می‌شود.^۲

از دیدگاه مقام معظم رهبری از جمله اساسی‌ترین ویژگی‌های قانون را می‌توان عادلانه بودن آن دانست. از این‌رو لازم است که دائماً رصد صورت گیرد که آیا قانون براساس عدالت وضع شده است. از نظر ایشان لازم است مستقلاً شاخص‌های عدالت و استقرار عدالت در جامعه مورد بررسی قرار گیرد. البته در عرصه عمل هم خیلی کارها باید انجام بگیرد که یکی از آنها این است که عدالت را یک معیار و یک سنجه اساسی در قانونگذاری بدانیم.^۳

۳-۲. مستحکم و باثبات بودن قوانین

از جمله ویژگی‌های قانون، مستحکم و باثبات بودن آن است. یعنی قانون به حدی باید توانا باشد که در مدت کمی به اصلاح یا تغییر یا نسخ نیاز نداشته باشد. مقام معظم رهبری معتقدند: «سعی شود قوانینی که در مجلس می‌گذرد، مستحکم و باثبات باشد. یکی از اشکالات بزرگ این است که قوانین طوری با بی‌دقتی یا عدم مراجعه لازم به مواردی که باید مراجعه کرد، تنظیم شود که اندکی گذشته، احتیاج به تجدیدنظر پیدا کند و یک مقدار وقت مجلس به تصویب مجدد قانون بگذرد. یک روز قانون را درست کنیم، یک روز قانون را رد کنیم و یا تغییر کلی بدهیم؛ این‌طوری نباشد؛ قوانین

۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌های کشور، ۱۳۸۱/۸/۲۲.

۲. بیانات در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم در روز ولادت حضرت امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷.

۳. بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷.

باثبات و مستحکم باشد»^۱.

قانونگذار باید ملاحظه خاطر جمعی مخاطب خودش را بکند. اگر کسی می‌خواهد اقدامی کند یا سرمایه‌گذاری انجام دهد یا یک رشته کاری برای خودش انتخاب کند، خاطر جمع باشد که این قانون، قانونی نیست که امروز می‌آید و فردا با یک انگیزه دیگری عوض می‌شود.^۲

۳-۳. آرمان‌گرایی و واقع‌بینی در قانونگذاری

از دیدگاه مقام معظم رهبری، قانون در عین اینکه باید آرمان‌گرا باشد و در راستای نیل به آرمان‌ها وضع شده باشد، باید واقع‌گرا نیز باشد. آرمان‌گرایی به این معناست که باید نگاه آرمان‌گرایانه حاکم باشد و نباید از آرمان‌ها پایین و کوتاه آمد و عدول کرد. در عین حال این آرمان‌گرایی باید با توجه به واقعیت باشد. به این معنا که در عین حال که سقفی معین می‌شود؛ تکلیفی را که برای خود یا دولت یا مسئولین معین می‌شود، لازم است با توجه به واقعیت‌های موجود باشد و باید به طرف آن آرمان حرکت کرد.

از دیدگاه ایشان، واقع‌گرایی به معنایی که در مقابل آرمان‌گرایی باشد، مطلوب نیست. بلکه ملاک، رسیدن به آرمان‌هاست. در کنار این آرمان‌گرایی، واقع‌بینی لازم است و نباید دچار توهم شد. گاهی ممکن است انسان در تصمیم‌گیری، در آنچه که باید انجام بگیرد، دچار توهم باشد که این امر نادرست است. بلکه باید آرمان‌ها را در نظر داشت. پله‌ها را باید مطابق با واقعیت‌هایی که وجود دارد، یکی پس از دیگری چید و به سمت آن آرمان‌ها پیش رفت.^۳

۳-۴. دیگر شاخص‌های قانون

از دیدگاه مقام معظم رهبری ویژگی‌ها و شاخص‌های قانون خوب عبارتند از: به‌روز بودن، تکراری نبودن و معارض نداشتن است. همچنین قانون باید کارآمد، روان، شفاف و روزآمد باشد. با این حال در قانون باید نگاه بلندمدت دیده شود. در این صورت قانون باید دارای گستره‌ای هرچه پهناورتر و قابل ماندگاری و یکسره معطوف به نیازهای مردم و منافع عمومی باشد. از نظر ایشان نگرش جزئی، بخشی، شخصی و یا خدای نخواستہ با نگاه لجاجت‌آمیز در قانونگذاری، بی‌سود و احیاناً زیانبار است. در این صورت اولویت‌ها باید ترجیح یابد، تناقض و تکرار در قوانین ریشه‌کن شود تا در تدوین قوانین از خرد جمعی و کارشناسی بیشترین بهره گرفته شود.^۴

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

۲. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۳/۲۱.

۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۳/۱۸.

۴. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷/۰۳/۰۷.



همچنین قانون باید جامع، کامل، ماندگار، کارشناسی شده، گره‌گشا و ناظر به مشکلات زندگی مردم باشد. البته این بدان معنا نیست قانونی که برای کوتاه‌مدت یک گره‌ای را باز می‌کند، لازم نیست. زیرا بعضی از قوانین هست که یک گره کوتاه‌مدت را باز می‌کند، چاره‌ای هم نیست، بایستی این قانون گذاشته شود، لکن طبع اکثری و طبیعی قوانین این است که ماندگار، قابل تطبیق با شرایط گوناگون، مفید، صریح، شفاف و تأویل‌ناپذیر و در چارچوب همان حدود و اختیاراتی باشد که قانون اساسی برای مجلس شورای اسلامی معین کرده است.

از دیدگاه مقام معظم رهبری قانون تحت تأثیر نفوذ این و آن هم نباید قرار بگیرد. توضیح اینکه گاهی برای اینکه منفعت یک کسی یا یک کسان معدودی تأمین بشود، با عجله تمام یک قانونی گذاشته می‌شود و بعد که آن غرض حاصل شد به فاصله مدت کوتاهی، آن قانون نسخ شده است. از این رو در قانونگذاری باید مراقبت کرد که قانون تحت نفوذ افراد متنفذ قرار نگیرد.^۱

۴. انواع قوانین و مقررات

با عنایت به نظام حقوقی خاص و ممتاز جمهوری اسلامی ایران، باید‌ها و نبایدها، حقوق و تکالیفی که برعهده دولت و مردم نهاده می‌شود، صرفاً ناشی از مصوبات مجلس نیست، بلکه می‌توان از یک مجموعه و سلسله قوانین و مقررات در این نظام یاد کرد. ازسویی تمامی این قوانین و مقررات در عین اینکه باید با مبانی، اصول و موازین شرع مقدس اسلام انطباق داشته باشند، هر یک در حیطه خود لازم‌الاجراست.

برخی از قوانین و مقررات در جمهوری اسلامی ایران که در کلام مقام معظم رهبری مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است، بیان می‌شود:

۴-۱. قانون اساسی

قانون اساسی در مفهوم عام به کلیه قواعد و مقررات موضوعه یا عرفی، مدون یا پراکنده گفته می‌شود که به قدرت و انتقال و اجرای آن مربوط است.^۲ قانون اساسی، مجموعه ضوابط و مقرراتی است که حقوق و آزادی‌های افراد در برابر دولت و وظایف دولت در مقابل مردم و نیز نوع و تشکیلات حکومت و نهادهای حکومتی و قوای حاکم و رابطه آنها با یکدیگر را بیان می‌کند. یعنی وظایف و اختیارات هر یک از سازمان‌های حکومت و نهادهای سیاسی اعم از مقننه، قضائیه و مجریه

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.

۲. ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، بایسته‌های حقوق اساسی، دادگستر، ۱۳۷۵، ص ۳۵.

در قانون اساسی تدوین می‌گردد.^۱

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ترجمان خواسته‌ها و آرمان‌های ملت ایران و نشان‌دهنده جهت و مسیر حرکت مردم و چارچوب کلی برای تدوین قوانین و سیاست‌های کلی نظام است.^۲ قانون اساسی، میثاق امت با انقلاب،^۳ منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور است و همه چیزهایی که برای اداره امور ملت لازم است، در این منشور به شکل متین و مستحکم وجود دارد.^۴ از نظر مقام معظم رهبری، قانون اساسی به مثابه ستون‌ها و پی‌های بنای مستحکم جمهوری اسلامی است و قوانین عادی به مثابه تقسیم‌بندی‌ها و دیوارکشی‌ها و دیگر جزئی‌کاری‌های داخل این بناست. ایشان می‌فرمایند: «قانون اساسی مثل ستون‌ها و پی‌های یک بناست. اگر ما بخواهیم عمارت بزرگ و رفیعی بسازیم، پی و ستون لازم دارد تا بتواند به ساختمان شکل کلی دهد. این پی‌ها و ستون‌ها، همان قانون اساسی است. قوانین عادی عبارت است از کاری که در داخل بنا انجام می‌گیرد؛ تقسیم‌بندی‌ها، دیوارکشی‌ها و آرایش‌ها. ارزش‌ها به مثابه مصالح ساختمانی‌اند. همه ستون‌هایی که ایجاد می‌شود و همه کارهایی که در این عمارت انجام می‌گیرد - چه در بخش قانون اساسی، چه در بخش قانون عادی - مصالح همان ارزش‌های ماست؛ از ارزش‌های ما تشکیل و ترکیب می‌شود. ما این قانون اساسی و این چارچوب مستحکم را داریم».^۵

قانون اساسی هر کشوری متولی توزیع قدرت در بین ارکان و قوای مختلف کشور است. از نظر مقام معظم رهبری، قانون اساسی، منشور اصلی جمهوری اسلامی است که با توزیع صحیح و منطقی و عادلانه قدرت در میان ارکانی که معیارهای اسلامی در تشکیل آنها به‌کار گرفته شده و با ایجاد پیوندی دینی و عاطفی میان مردم با مسئولان کشور، تازه‌ترین سخن را در فلسفه سیاسی به میدان آورده و نظام‌های متکی به سلاح کودتاگران یا سرمایه‌های حرام کمپانی‌داران یا وراثت نامعقول و نامشروع پادشاهان را در برابر سؤال‌های بی‌پاسخ قرار داده است.^۶

از دیدگاه ایشان، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله قوانین مترقی و پیشرفته است که می‌تواند کشور را به سامان برساند و جامعه را پیش ببرد و ضامن حفظ نظام اسلامی باشد؛ این قانون اساسی می‌تواند ذهن‌ها را اشباع و اقناع کند و جسم‌ها را به رفاه مادی برساند؛ می‌تواند دنیا

۱. مرتضی نجفی اسفاد و فرید محسنی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، الهدی، ۱۳۸۶، ص ۱۹.

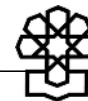
۲. نامه به سران قوای سه‌گانه و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام، ۱۳۷۹/۱۲/۲۰.

۳. پیام تشکر و تجلیل از آحاد مردم به‌خاطر شرکت گسترده در انتخابات ریاست‌جمهوری و همه‌پرسی قانون اساسی، ۱۳۶۸/۰۵/۰۸.

۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۱/۰۹/۰۱.

۵. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵.

۶. پیام به مناسبت اولین اجلاس دوره سوم مجلس خبرگان، ۱۳۷۷/۱۲/۰۲.



و آخرت مردم را آباد کند.^۱

هر قانون اساسی، برای اینکه بتواند اهداف ملت را تأمین کند، باید از اوصافی برخوردار باشد که از جمله مهمترین آنها، قدرت انعطاف و انطباق با شرایط و تحولات است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از این ویژگی ممتاز برخوردار است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «یکی از ویژگی‌های ممتاز قانون اساسی، قدرت انعطاف و انطباق با شرایط و تحولات است و برای خروج از معضلات و تنگناها و استفاده بیشتر از نظرات افراد خبره و صاحب‌نظران راه‌حل‌های عملی ارائه نموده است».^۲

۲-۴. سند چشم‌انداز

چشم‌انداز به چیزهایی گفته می‌شود که با واقع‌بینی به وضعیت مطلوب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی جامعه توجه دارد^۳ و تصویر مطلوب و آرمان قابل دستیابی در یک افق زمانی معین را ترسیم می‌کند.

سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، یک سند بسیار معتبر و مهم است که مسئولان کشور - چه در قوه مجریه، چه در قوه مقننه - و در بخش‌های مختلف موظف شده‌اند که گام به گام این سند چشم‌انداز را تعقیب کنند و به آن اهداف نزدیک شوند.

از نظر مقام معظم رهبری، چشم‌انداز بیست‌ساله، مهمترین سند بعد از قانون اساسی می‌باشد؛ «این سند چشم‌انداز چیز مهمی است؛ این را دستکم نباید گرفت. شاید بتوان گفت که بعد از قانون اساسی، ما هیچ سندی را در کشور به این اهمیت نداریم. یک نگاه کلان و بلندمدت است».^۴ با توجه به جایگاه و اهمیت چشم‌انداز، لازم است که آن را در سیاست‌گذاری‌ها و قانونگذاری‌ها مد نظر قرار داد. «سیاست‌ها براساس این چشم‌انداز تنظیم شده است. قانون‌ها باید با سیاست‌ها هماهنگ باشد؛ یعنی در دل سیاست‌ها جا بگیرد و به سمت این چشم‌انداز حرکت کند. آن چشم‌انداز هم بر پایه اسلام است».^۵

۳-۴. سیاست‌های کلی نظام

واژه سیاست در لغت مصدر یا اسم مصدر، در معانی مختلفی به‌کار رفته است. از جمله عبارت است از: حکومت کردن، ریاست کردن، حکم‌داری، عدالت، جزا، محافظت حدود ملک، مصلحت، تدبیر،

۱. بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۱.

۲. نامه به سران قوای سه‌گانه و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام، ۱۳۷۹/۱۲/۲۰.

۳. منصور مدرس، فرهنگ توصیفی واژگان برنامه‌ریزی و توسعه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵.

۴. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۰۶/۱۸.

۵. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.

دوراندیشی و...^۱.

نزدیک‌ترین معنای لغوی سیاست به مفهوم سیاست‌های کلی در قانون اساسی، تدبیر، مصلحت و دوراندیشی است.^۲

ترجمه انگلیسی سیاست‌های کلی «Eneral Policy» یا «Public Policy» است که همان خط‌مشی‌گذاری عمومی است و به‌عنوان علم «دولت در عمل» «Tate Action» از آن یاد می‌شود.^۳ سیاست‌گذاری در امر کشورداری عبارت است از: تعیین، تدوین و ارائه ضوابط و موازینی که در آن مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح جمعی ملت تأمین می‌شود. منظور از سیاست‌های کلی دولت در درجه اول، تثبیت حاکمیت، استقرار نظم و حفظ حدود و ثغور استقلال کشور و منظور از مصالح جمعی ملت، به‌کارگیری سیاست‌های متنوع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، صنعتی، خدماتی، کشاورزی، بهداشتی و... است تا در آن خواسته‌های مردم برآورده شود.^۴ سیاست‌های کلی نظام، مجموعه‌ای از جهت‌گیری‌ها و راهبردهای کلان نظام برای تحقق آرمان‌ها و اهداف قانون اساسی در دوره زمانی مشخص است.^۵

در تعریف سیاست‌های کلی نظام، در مجمع تشخیص مصلحت نظام چنین آمده است: «سیاست‌های کلی، مجموعه‌ای هماهنگ از جهت‌گیری‌ها، اهداف مرحله‌ای و راهبردی کلان نظام در دوره‌های زمانی مشخص برای تحقق آرمان‌ها و اهداف قانون اساسی است. سیاست‌های کلی که حتی‌الامکان باید شاخص‌پذیر و قابل نظارت باشد، برای کلیه ارکان نظام الزام‌آور بوده و ناظر بر همه قوانین از جمله برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه است و دارای ویژگی‌ها و مشخصات ذیل می‌باشد:

الف) پایداری،

ب) آینده‌نگری،

ج) واقع‌بینی،

د) فراگیر بودن».^۶

در مورد جایگاه سیاست‌های کلی نظام در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به نامه

۱. معین، ج ۲، ص ۱۹۶۶.

۲. ابراهیم موسی‌زاده، مجله فقه حقوق، سال پنجم، تابستان ۱۳۸۷، ش ۱۷، ص ۱۵۳.

۳. پیر مولر، سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۸، ص ۱۱.

۴. سیدمحمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۰، ص ۶۸.

۵. مجید انصاری، جایگاه سیاست‌های کلی در نظام قانونگذاری در ایران، مجموعه مقالات همایش یکصدمین سال قانونگذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶.

۶. سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام به نشانی



مقام معظم رهبری به سران قوا در خصوص سیاست‌های کلی نظام به نظر می‌رسد که این سیاست‌ها را پایین‌تر از قانون اساسی و بالاتر از قوانین و مقررات عادی قرار دارد. در این نامه رهبر معظم انقلاب نکاتی را مورد توجه قرار داده‌اند که می‌تواند ترسیم‌کننده جایگاه سیاست‌های کلی نظام در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران باشد: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ترجمان خواسته‌ها و آرمان‌های ملت ایران و نشان‌دهنده جهت و مسیر حرکت مردم و چارچوب کلی برای تدوین قوانین و سیاست‌های کلی نظام است... سیاست‌های ابلاغی در چارچوب اصول قانون اساسی نافذ است و تخطی از این قانون در اجرای سیاست‌های کلی پذیرفته نیست».^۱

در جمهوری اسلامی ایران، تدوین سیاست‌های کلی نظام با رهبر معظم انقلاب اسلامی است. از دیدگاه مقام معظم رهبری، مهمترین وظیفه رهبری در قانون اساسی، تنظیم سیاست‌های کلی است.^۲ فرآیند تنظیم سیاست‌های کلی در جمهوری اسلامی ایران، فرآیند بسیار قوی و مستحکمی است. این سیاست‌ها ابتدا در کمیسیون‌های دولت تنظیم می‌شود و بعد به دولت می‌آید. دولت آنها را بررسی و تصویب کرده و به رهبر معظم انقلاب پیشنهاد می‌کند. ایشان هم آن را به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع می‌دهد. این سیاست‌ها در کمیسیون‌های مجمع تشخیص مصلحت با حضور کارشناسان متعدد از بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، دانشگاهی، علمی که از خود مجمع و بیرون آن هستند، بررسی و تکمیل می‌شود و سپس مجدداً به رهبر معظم انقلاب تقدیم می‌شود، ایشان هم آن سیاست‌ها را با آن مبانی و اصول ارزشی نظام جمهوری اسلامی تطبیق داده و تصویب می‌کند.^۳ سپس این سیاست‌ها به دولت برمی‌گردد و به مجلس ابلاغ می‌شود. پس از آنکه این سیاست‌ها ابلاغ شد، در آن موقع مجلس موظف است طبق این سیاست‌ها، قانون بگذراند و دولت هم موظف است سیاست‌های اجرایی خود را تنظیم و بر طبق آنها عمل کند.^۴

۴-۴. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نامی از شورای عالی انقلاب فرهنگی به میان نیامده است، ولی با استناد به اختیارات ولایت مطلقه فقیه که در قانون اساسی بدان تصریح شده است، می‌توان این شورا را از لحاظ قانون اساسی واجد جایگاه حقوقی دانست. در عین حال ضرورت اجرا و اعتبار مصوبات آن در پاسخ مورخه ۱۳۶۳/۱۲/۶ امام خمینی (ره) مورد تصریح قرار گرفته است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «ضوابط و قواعدی را که شورای محترم عالی انقلاب فرهنگی وضع می‌نماید باید ترتیب آثار داده شود».

۱. نامه به سران قوای سه‌گانه و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام، ۱۳۷۹/۱۲/۲۰.

۲. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶.

۳. همان.

۴. همان.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، آنچه را که امام و رهبری تصویب کنند و قرار دهند، طبق قانون اساسی، مر قانون است و هیچ مشکلی ندارد.^۱ از این رو شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات آن معتبر خواهد بود. زیرا «شورای عالی انقلاب فرهنگی و شوراهای گوناگون دیگری وجود دارد که همه اینها یا به یک واسطه یا بی واسطه مصوبه زمان امام رضوان الله علیه است. به هر حال مصوبه مقام رهبری هستند و از لحاظ قانونی هیچ اشکالی ندارند».^۲

گاهی اوقات در مورد نفوذ قانونی مصوبات این شورا سؤالی مطرح می‌شود که آیا این مصوبات از لحاظ قانونی، حکم قانون را دارد؟

مقام معظم رهبری معتقدند شورای عالی انقلاب فرهنگی دستگاه قانونگذاری نیست. زیرا مرکز قانونگذاری در قانون اساسی یک جاست، لکن منافاتی ندارد که مصوبات این شورا در یک حوزه و در سطح خاصی لازم‌الاجرا باشد، همان‌گونه مصوبات دولت در یک محدوده لازم‌الاجراست.

۴-۵. مصوبات شورای عالی فضای مجازی

با گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به‌ویژه شبکه جهانی اینترنت و آثار چشمگیر آن در ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن در جهت پیشرفت همه‌جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم و همچنین ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به‌منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن لازم بود تا نقطه کانونی متمرکزی برای سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور به‌وجود آید. به همین منظور با ابتکار مقام معظم رهبری شورای عالی فضای مجازی در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ تشکیل شد. مطابق فرمایش مقام معظم رهبری، مصوبات این شورا لازم‌الاجراست. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «شورای عالی فضای مجازی کشور با اختیارات کافی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد و لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود».^۳

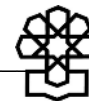
فصل سوم - قانونگذاری

در این فصل به بررسی مبانی قانونگذاری، بایسته‌های قانونگذاری و جایگاه شورای نگهبان از دیدگاه مقام معظم رهبری خواهیم پرداخت.

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۸/۰۹/۲۳.

۲. همان.

۳. پیام تشکیل شورای عالی فضای مجازی و انتصاب اعضای حقیقی و حقوقی آن، ۱۳۹۰/۱۲/۱۷.



۱. مبانی قانونگذاری

قانونگذاری در هر نظامی، مبتنی بر برخی اصول و مبانی صورت می‌پذیرد. این اصول و مبانی در نظام‌های دینی از نظام‌های غیردینی متفاوت است. توجه به این مبانی و استخراج آنها از این حیث حائز اهمیت است که هرگونه قانونگذاری بدون توجه به این مبانی همچون بنا کردن ساختمانی سست بنیاد است که به سادگی فرو خواهد نشست.

با تأمل در بیانات مقام معظم رهبری می‌توان مبانی قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران را از دیدگاه ایشان استخراج کرد و به بیان این مبانی پرداخت.

۱-۱. نفی تفکر جدایی دین از سیاست

از دیدگاه مقام معظم رهبری، اولین و اساسی‌ترین مبنا در قانونگذاری را می‌توان نفی تفکر جدایی دین از سیاست و از امور مربوط به اجتماع و قانون دانست. از دیدگاه ایشان دین، مایه، پایه، محور قانون و اجرا در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.^۱

این مسئله مهم در قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. مطابق اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. در اصل هفتاد و دوم نیز آمده است: مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد.

مقام معظم رهبری در پاسخ کسانی که مدعی هستند در اسلام دین از سیاست جداست می‌فرمایند: «سیاستمدارانی که دائماً دم از جدایی دین و سیاست می‌زنند و کسانی از مدعیان دینداری که به کمک آنان شتافته و همین سخن را تکرار می‌کنند، آیا هرگز در آیات قرآن و تاریخ اسلام و احکام شریعت اندیشیده‌اند؟ آیا فکر کرده‌اند که اگر دین جدا از سیاست است، پس چرا قرآن همه امور سیاسی را، یعنی حکومت را، قانون را، صف‌بندی‌های زندگی را، جنگ و صلح را، تعیین دوست و دشمن را و دیگر مظاهر سیاست را، همه و همه را به خدا و دین خدا و اولیای خدا مرتبط می‌کند؟»^۲

۱-۲. ولایت در قانونگذاری

در نظام جمهوری اسلامی ایران، دین در همه امور حضور دارد و هر عملی در این نظام باید ریشه الهی داشته باشد. قانون و قانونگذاری نیز بر همین اساس در این نظام معنای خاصی پیدا می‌کند و ریشه در ولایت الهی می‌یابد.

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۸۸/۴/۱۴.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، تفکر اسلامی مبتنی بر ولایت الهی است و ولایتی که نمایندگان مجلس در قانونگذاری دارند، ریشه در ولایت الهی دارد.

ایشان در این باره می‌فرمایند: «تفکر اسلامی بر مبنای یک پایه محکم، برخاسته از ولایت الله، با شیوه مشخص و تدوین شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی که خدای متعال به انسان‌ها حق داده که یک حق را به کسی بسپرنند، بنا شده که بگویند آقا! شما بیا برای ما این کارها را انجام بده. مردم هم این حق را در آرای خودشان در مجلس، در ریاست جمهوری، در آن چیزهایی که به آرای مردم وابسته است، به افراد می‌دهند. بنابراین پایه مردم‌سالاری دینی این است؛ یعنی یک پایه اصیل و عمیق که حقیقتاً مورد اعتقاد است».^۱

از دیدگاه ایشان، ولایتی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در امر قانونگذاری دارند، یک ولایت الهی است و ریشه در ولایت الهی داشته و برخاسته و پدید آمده از ولایت الهی می‌باشد.^۲ مردم‌سالاری دینی نیز بدین معناست که نماینده مجلس شورای اسلامی از طریقی که در قانون اساسی برای مجاری اعمال ولایت الهی معین شده، یک ولایتی پیدا کرده است. از این رو آنچه که در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود، برای همگان واجب‌الاتباع خواهد بود.^۳

قانون که توسط نمایندگان در چارچوب ولایت الهی وضع شد، جنبه الزام‌آوری و حاکمیتی و ولایتی نیز خواهد داشت و قانونگذار با وضع قانون، اعمال ولایت و اعمال اقتدار بر جامعه می‌کند.^۴

۳-۱. ملاک مشروعیت و مقبولیت قوانین

قانون برای اینکه بتواند اهداف خود را تأمین کند و زمینه رشد و سعادت جامعه را مهیا سازد، لازم است که از مشروعیت و مقبولیت برخوردار باشد. در مورد اینکه مشروعیت و مقبولیت به چه معناست، سخنان گوناگونی گفته شده است. برخی مشروعیت و مقبولیت را یکسان پنداشته و معتقدند هر یک زمانی محقق می‌شوند که قانون باب میل مردم وضع شود. برخی دیگر مشروعیت قوانین را به وفاداری آن به حقوق بشر منوط کرده و مقبولیت قوانین را در راستای نیاز مردم بودن معرفی می‌کنند.

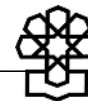
از دیدگاه مقام معظم رهبری برای مشروعیت و اصالت قوانین، تطابق آنها با شرع لازم است. ایشان معتقدند مشروعیت این نظام به تفکر اسلامی و به استواری بر پایه اسلام بوده و مشروعیت

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۲/۲۱.

۲. همان.

۳. همان.

۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.



مجلس و رهبری هم بر همین اساس می‌باشد.^۱ از این رو لازم است اسلام بر تمامی قوانین حاکم باشد. با پذیرش شرع به عنوان ملاک و مناط اعتبار و مشروعیت قوانین، طبیعی است که هر گونه قوانین خلاف آن نیز فاقد اعتبار خواهند بود.^۲

در جمهوری اسلامی ایران، تطابق قوانین با شرع مقدس اسلام را باید قانون اسلامی و حتی به فرمایش مقام معظم رهبری، جزء حدود الله به حساب آورد.^۳ ایشان در مورد مقبولیت قوانین نیز معتقدند مقبولیت قوانین منوط به انطباق آن بر خواسته جامعه، نیازهای فوری، به روز و نیز نیازهای بلندمدت کشور می‌باشد.

مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرمایند: «یک تذکر این است که مجلس قوه مفکره کشور است. فکر در لباس قانون تجلی می‌کند، بعد در سراسر وجود کشور سریان و جریان پیدا می‌کند. چیزی که دائم باید در نظر باشد، این است که ببینیم فکر این قوه مفکره اولاً نسبتش با ارزش‌های اساسی انقلاب چیست - چون این شاخه روئیده بر بدنه عظیم و قد کشیده و مستحکم انقلاب است دیگر - ثانیاً نسبتش با جامعه، با مشکلات کشور و با نیازهای مردم چیست. یک نگاه به مبدأ، یک نگاه به منتها؛ یک نگاه به خاستگاه، یک نگاه به هدف؛ این باید روشن باشد. اگر این شد، آنوقت قوانین، هم اصیل خواهد بود، درست خواهد بود، صحیح خواهد بود، هم کارآمد خواهد بود. اگر اولی نباشد، قانون مثل شاخه از درخت بریده است؛ اصالت خود را از دست خواهد داد و دیگر قانون اصیلی نیست. اگر دومی نباشد، قانون اصیل است، مشروعیت دارد، اما مقبولیت ندارد. اگر منطبق بر خواسته‌های جامعه و نیازهای فوری و به روز و نیز نیازهای بلندمدت جامعه نباشد، آنوقت دیگر مقبولیت نخواهد داشت به حسب هر مقداری که در آن جهت کمبود دارد. این یک نکته است که باید در نظر باشد».^۴

۴-۱. عدل، قانون، شرع

احکام و تعالیم شرع، تضمین‌کننده عدالت است. از این رو قوانینی که منطبق با شرع باشند، عمل به آن قوانین نیز منجر به تحقق عدالت خواهد شد.

مقام معظم رهبری، ملاک عدل و قسط را اجرای احکام الهی دانسته و ملاک عدل و اقامه آن را قانون می‌دانند و معتقدند اگر چیزی بر طبق قانون تحقق پیدا کرد، عدالت است و خلاف عدالت آن است که برخلاف قانون انجام بشود. به تعبیر دیگر هرچه که بر قانون منطبق شد، عدل است و

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲/۰۳/۰۷.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰.

۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

هرچه که منطبق نشد، عدل نیست.^۱

ایشان در تعبیر دیگری اذهان را بر این مهم توجه داده و فرموده‌اند: «اگر عمل فرد، جمع، منطبق به قانون شد، این عدالت است؛ اگر از قانون انحراف پیدا کرد، این بی‌عدالتی است و قانون هم در نظام اسلامی، قانون اسلامی است. البته در مجموعه قوانین ما ممکن است قوانینی باشند که صد درصد با احکام اسلامی منطبق نباشند، یا قوانینی که از قبل مانده‌اند یا برخی قوانین دیگر که اینها بایست اصلاح بشود. معیار، این است که بر طبق قانون عمل بشود. عدل، اینجا تحقق پیدا می‌کند... اگر قانون حاکم نشد، آن چیزی که از بی‌قانونی بر سر همه خواهد آمد، بسیار تلخ‌تر است از آنچه که اجرای قانون ممکن است در کام بعضی تلخی به وجود بیاورد؛ «و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اذیق». عدل همان رعایت قانون است. اگر ما از رعایت قانون احساس ضیق کردیم، نخواستیم به قانون تن بدهیم، آنچه که بر سر ما از بی‌قانونی خواهد آمد، به مراتب از این تلخی تحمل قانون، سخت‌تر است. این را باید همه توجه کنند».^۲

۵-۱. توجه به وصیتنامه حضرت امام خمینی(ه)

وصیتنامه امام خمینی (ره) که به مثابه مبانی و اصول انقلاب می‌باشد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. مقام معظم رهبری معتقدند وصیتنامه امام (ره) که جمع‌بندی شده فرموده‌های امام (ره) است مبانی انقلاب و اصول انقلاب می‌باشد. در این صورت لازم است موضع‌گیری و حرکت قانون بر این اساس باشد.^۳

۶-۱. مردم‌سالاری دینی

داعیه اصلی جمهوری اسلامی ایران این است که احکام و شریعت الهی را که شریعت اسلامی است، در همه امور زندگی ساری و جاری نماید. از این رو برای تحقق این اصل لازم است که قالبی وجود داشته باشد تا در آن قانونگذاری و اجرا و دیگر امور مربوط به حکومت اسلامی جریان یابد.

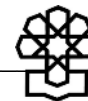
از دیدگاه مقام معظم رهبری این قالب عبارت از مردم‌سالاری دینی است.

ایشان در همین زمینه می‌فرمایند: «ملت‌های مسلمان هم اگر می‌خواهند بدانند جمهوری اسلامی چه می‌گوید و داعیه او چیست، بدانند ما داعیه‌مان این است: ما از اسلام صرف‌نظر نمی‌کنیم؛ احکام الهی و شریعت الهی را که شریعت اسلامی است، در همه امور زندگی‌مان واجب‌الاتباع می‌دانیم؛ تلاش و سعیمان هم این است که به این برسیم. چارچوب و قالب ما برای ورود در این میدان هم

۱. بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۶۸/۰۶/۲۰.

۲. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۸۸/۰۴/۰۷.

۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.



مردم‌سالاری دینی است. مردم باید بیابند انتخاب کنند. قانونگذار را که بر این اساس قانون خواهد گذاشت، بایستی مردم معین کنند. مجری را باید مردم معین کنند. همه چیز با انتخاب مردم، با حضور مردم، با عزت مردم و کرامت مردم است.^۱

۱-۷. مبنای نمایندگی در تفکر اسلامی

قانون هم باید از مشروعیت و هم از مقبولیت لازم برخوردار باشد و مقبولیت قانون نیز در گرو انطباق آن بر خواسته‌های جامعه، نیازهای به‌روز مردم و بلندمدت جامعه می‌باشد. از این رو برای تحقق این مهم باید نمایندگانی از مردم، عهده‌دار امر قانونگذاری شوند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، نمایندگی از سوی مردم با موارد مشابه در دمکراسی‌های رایج دنیا متفاوت است. ایشان معتقدند در تفکر اسلامی، قضیه نمایندگی از مردم ریشه بسیار عمیقی دارد. یعنی قضیه نمایندگی به معنی پیروی کردن از عرف متداول دنیا که در دنیا انتخابات هست، دمکراسی هست، ما هم برای اینکه از دنیا عقب نمانیم، نیست.

از دیدگاه ایشان ولایت در بینش اسلامی متعلق به خداست، طبق این مفهوم، احدی بر دیگری ولایت ندارد. اگر خدای متعال برای این ولایت، مجرای مشخص و روشن کرد؛ این مجرای ولایت، مجرای الهی است و مورد قبول و قابل اتباع می‌شود. یعنی این مجرا را خدای متعال مشخص کرده و در اسلام هم مشخص شده است.^۲ پس از دیدگاه مقام معظم رهبری، نمایندگی در امر قانونگذاری ریشه دارد و برخاسته و پدید آمده از ولایت الهی خواهد بود.^۳

۱-۸. تجلی اراده مردم با قانونگذاری در مجلس

با اجتماع نمایندگان در مجلس و وضع قانون توسط آنان، اراده مردم در صحنه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی تجلی پیدا می‌کند. از دیدگاه مقام معظم رهبری، مجلس شورای اسلامی مرکز اساسی و تعیین‌کننده برای انقلاب بوده و مظهر حضور و اراده مردم در صحنه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی است. اگر مردم چیزی را در زمینه‌های اقتصادی یا سیاسی بخواهند که انجام شود یا نشود و چیزهایی را بخواهند که به سرنوشت کشور ارتباطی پیدا می‌کند، باید اراده خویش را از حنجره و زبان نماینده خود بیرون بدهند و به‌صورت قانون درآورند و این قانون در سطح کشور عمل بشود و این همان تأثیر مردم در قانونگذاری است.^۴

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خیرگان، ۱۳۹۰/۱۲/۱۸.

۲. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۲/۲۱.

۳. همان.

۴. بیانات در دیدار با هیئت نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و هیئت اجرایی انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس، ۱۳۶۷/۰۹/۲۲.

۹-۱. تجلی مصالح همه کشور در قانونگذاری

انتخاب نمایندگان مجلس از سراسر کشور - و نه انتخاب آنها از مناطقی خاص - بی دلیل نبوده و لزوم تجلی مصالح همه کشور در قانون، چنین امری را ایجاب می‌کند. از دیدگاه مقام معظم رهبری اینکه نمایندگان از همه گوشه و کنار کشور انتخاب می‌شوند، به آن سبب است که مصالح همه کشور در «قانون» متجلی شود. یعنی نماینده شأنش این خواهد بود که قانونی را بگذراند که این قانون بتواند کشوری را که دارای مناطق فقیر و دوردست و مناطقی با اقتضائات گوناگون است، اداره کند. مفهوم اینکه نماینده باید به فکر حوزه انتخابیه خود باشد، به همین معناست. یعنی نماینده باید قانونی را بگذراند که بتواند امور همه جای کشور را متکفل شود تا مبادا حوزه نمایندگی او از قانونی که همه‌جانبه وضع نشده است، به اقتضای کیفیتش خارج بماند.^۱

ایشان معتقدند بیان مشکلات حوزه انتخابیه، کار خوبی است و اگر به شکل صحیحی انجام گیرد، مفید است، اما اینکه خیال شود که نماینده فلان شهر و فلان حوزه انتخابیه بودن، معنایش این است که بیاید و بگوید «آنجا آسفالت ندارد»، یا «آب ندارد»، یا «دانشگاه ندارد» یا چه و چه، این وظیفه نمایندگی نیست.^۲

۱۰-۱. اقلیت و اکثریت

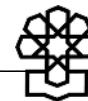
تصمیم‌گیری و رأی‌گیری در مجلس شورای اسلامی بر مبنای رأی اکثریت صورت می‌گیرد. از دیدگاه مقام معظم رهبری، در اسلام چیزی به نام ترجیح اکثریت بر اقلیت نداریم، اما ضرورت ایجاب می‌کند که آن را بپذیریم.

از دیدگاه ایشان «مسئله اقلیت و اکثریت هم یک ضرورت است؛ اگر چه ما در اسلام به این صورت چیزی نداریم که آنجایی که آرای مختلف شد، اکثریت را بر اقلیت ترجیح دهیم، لکن یک چیز لابد مینه‌ای است که در مسائل گوناگون بشری پیش می‌آید. وقتی پنج نفر درباره یک چیزی تصمیم‌گیری می‌کنند، اگر سه نفر بر این امری که به سرنوشت پنج نفر ارتباط دارد اتفاق نظر کردند، آن دو نفر قاعدتاً باید تسلیم بشوند؛ این هم یک چیز عقلایی روشنی است که اسلام اینها را تصویب و امضا کرده است».^۳

۱. بیانات در دیدار نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.

۲. همان.

۳. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.



۲. بایسته‌های قانونگذاری

در مجلس شورای اسلامی، قانونگذار موظف است همواره اصول و چارچوب‌هایی را برای قانونگذاری مد نظر داشته باشد که مجموعه این اصول و چارچوب‌ها در عین وفاداری به مبانی مستحکم دینی، منجر به تحقق اهداف بلند ترسیم شده در قانون اساسی خواهد شد. در اینجا به برخی از بایسته‌هایی قانونگذاری از دیدگاه مقام معظم رهبری اشاره می‌شود:

۱-۲. توجه به خدا در قانونگذاری

اولین و مهمترین اصلی که قانونگذار در نظام جمهوری اسلامی ایران باید مد نظر داشته باشد، غافل نبودن از یاد خداست. اگر قانونگذار همواره خدا را در قانونگذاری در یاد داشته باشد، در عین عنایت به اتقان و استحکام قوانین، محال است قانونی بگذارد که در راستای منافع شخصی، قومی یا حزبی خودش باشد.

مقام معظم رهبری همواره به مسئولین توصیه می‌کنند که:

«برادران! غفلت نکنیم. بزرگ‌ترین عذاب خدا بر یک ملت این است که آن ملت غافل بشوند. بدترین درد برای یک جامعه، غفلت آن جامعه است؛ از خدا غافل نشویم. در دل و جان ما و در یکایک تصمیم‌گیری‌ها و حرکات ما - کار اداری، کار سیاسی، کار نظامی، کار مدیریت، وقت پول خرج کردن، وقت اعتبار تخصیص دادن، وقت قانون گذراندن، وقت قضاوت کردن، در تمام مراحل - باید خدا به یاد ما باشد. ما باید برای خدا کار کنیم. این طوری این جامعه پیش خواهد رفت»^۱

۲-۲. لزوم توجه به سیاست‌ها و روش‌های قانون

قانونگذار همواره باید عاقلانه و مدبرانه قانون وضع کند و ترتیبی اتخاذ نماید که سیاست‌ها و روش‌های قانون در مجموع به سود و زیان چه کسی است.

مقام معظم رهبری در همین زمینه می‌فرمایند: «من نمی‌گویم ما به صورتی رفتار نکنیم که اوضاع اقتصادی را به هم بپاشیم و کسانی را که می‌خواهند اقدامی انجام دهند و سرمایه‌گذاری بکنند، بتارانیم. نه، باید سیاست‌ها عاقلانه و مدبرانه باشد؛ همان طور که بحمدالله در ترتیباتی که هست، همین‌گونه هم می‌باشد. در این، هیچ شکی نیست. لکن مسئله این است که در تمام سیاستگذاری‌ها و روش‌هایی که شما برای اجرا در نظر می‌گیرید، باید ببینید که این قانون و این روش و این آیین‌نامه، در مجموع به سود چه کسی تمام می‌شود و چه کسی از آن منتفع می‌گردد. آیا آن کسانی که حقوقشان تضییع شده است، منتفع می‌شوند، یا دیگران؟ بینش اسلامی ما این

۱. بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۷۰/۰۴/۰۵.

است»^۱؛

۲-۳. ملاحظه عدالت اجتماعی در قانونگذاری

در دیدگاه مقام معظم رهبری، مجموعه قوانین در نظام جمهوری اسلامی باید به قله عدالت منتهی شود. ایشان معتقدند عدالت در بنیان عالم و آفرینش نقش اساسی دارد. یعنی عدل، سنت آفرینش است و هر نظام اجتماعی اگر به دنبال این سنت طبیعی و قانون الهی آفرینش حرکت کرد، ماندگار و موفق و کامیاب خواهد بود. از دیدگاه ایشان انسان زمانی کامیاب است که خود را با قوانین آفرینش و سنت‌های الهی - که تغییر و تبدیل‌ناپذیر است - تطبیق دهد. در این صورت بنا بر دیدگاه الهی، عدالت در مجموع آفرینش یک ریشه تکوینی و طبیعی دارد.^۲

قانونگذار در نظام اسلامی باید با درک مفهوم عدالت اجتماعی، سعی در برآوردن این هدف عالی در قوانین موضوعه نماید. مقام معظم رهبری معتقدند: «عدالت اجتماعی، یعنی نظر و نگاه دستگاه قدرت و حکومت، نسبت به آحاد مردم یکسان باشد. در مقابل قانون، امتیازات و برخوردها یکسان باشد».

از دیدگاه ایشان معنای عدل اجتماعی این است که قانون، مقررات و رفتارها نسبت به همه افراد جامعه یکسان باشد و کسی امتیاز ویژه‌ای بدون دلیل نداشته باشد.^۳ بر همین اساس در همه برنامه‌های حکومت - در قانونگذاری، در اجرا، در قضا - باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد.

از دیدگاه مقام معظم رهبری پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت‌ترین مسئولیت مسئولان نظام است. از این رو همه برنامه‌ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و آن را یکی از مهمترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند.^۴

۲-۴. لزوم توجه به تأثیرات فرهنگی قوانین

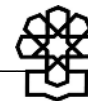
هر قانونی که وضع می‌شود حقوق و تکالیفی را برای شهروندان ایجاد می‌کند. از آنجایی که شمول قانون عام است و همگان را دربرمی‌گیرد، طبیعی است که ایجاد حق یا تکلیفی در سطح گسترده،

۱. بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی، ۱۳۶۹/۰۹/۱۴.

۲. بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه، خانواده‌های شهدای هفتم‌تیر و جمعی از قضات، ۱۳۸۰/۰۴/۰۷.

۳. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد مسعود مولای متقیان علی (ع)، ۱۳۷۵/۰۹/۰۵.

۴. بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰/۰۲/۱۴.



فعل یا ترک فعلی را در سطح عموم به دنبال خواهد داشت. همچنین کثرت انجام یا ترک عملی در جامعه، فرهنگ خاصی را به دنبال می‌آورد. از این رو لازم است که قانونگذار به تأثیرات فرهنگی قوانین نیز توجه داشته باشد.

مقام معظم رهبری لزوم توجه به تأثیرات فرهنگی قوانین را به نمایندگان مجلس شورای اسلامی یادآور شده و فرموده‌اند: «هر قانونی که شما بگذرانید، ولو به حسب ظاهر این قانون ارتباط با مسائل تربیتی و فرهنگی هم ندارد - یک قانون اقتصادی فرض بفرمایید - این یک اثر مستقیم یا غیرمستقیم فرهنگی و اخلاقی و تربیتی بر روی مردم دارد. رفتارها و خلیات و تربیت‌ها اثر متقابل دارند؛ هم اخلاق در رفتار تأثیر می‌گذارد، هم رفتار بر اخلاق تأثیر می‌گذارد. شما ببینید: «ثم کان عاقبة الذین اساءوا السوء». کار بد که می‌کنیم، روی دل ما اثر می‌گذارد، روی اخلاق ما اثر می‌گذارد، گاهی روی برداشتها و تلقی‌های ما اثر می‌گذارد؛ دلبستگی که پیدا می‌کنیم، این دلبستگی روی ذهنیات ما اثر می‌گذارد.

اگر ما قانونی می‌گذاریم که روح قانون‌پذیری را در مردم تقویت می‌کند، این خوب است؛ اگر بالعکس، قانونی می‌گذاریم که روح قانون‌شکنی و بی‌اعتنایی به قانون را در مردم به وجود می‌آورد - ولو به‌طور غیرمستقیم - این مرجوح است. اگر قانونی می‌گذاریم که روح قناعت را در مردم تقویت می‌کند، این خوب است؛ اگر بعکس، روح اسراف را در مردم تقویت می‌کند، این بد است. اگر روح دین‌داری را در مردم تقویت می‌کند، این خوب است؛ اگر روح لابلایگری را در مردم تقویت می‌کند، این بد است. به این جنبه توجه کنید: تأثیر متقابل حقوق و اخلاق؛ ملازمات مسائل حقوقی و مسائل اخلاقی. اینها مسائل بسیار مهمی است»^۱.

۵-۲. توجه به کل کشور در قانونگذاری

قانونگذاران در مجلس شورای اسلامی از نقاط مختلف کشور برگزیده شده‌اند و طبیعی است که در وضع قوانین، مصلحت منطقه خود را در نظر بگیرند. در عین حال نباید منجر به نادیده گرفتن مصالح جمعی کشور در قانونگذاری شود.

از دیدگاه مقام معظم رهبری لازم است «نمایندگان محترم در قانونگذاری‌ها نگاهشان به کل کشور باشد. البته مصلحت منطقه خودشان را حتماً باید در نظر بگیرند - شکی نیست - لکن آن مصلحت بایستی داخل بشود در مجموعه نگاه به کل کشور؛ والا اگر قرار باشد که نماینده شرق برای شرق کار کند، ولو برعلیه غرب؛ نماینده غرب به نفع غرب کار کند، ولو برعلیه شرق، اینکه نمی‌شود. نماینده شرق بودن یا نماینده شمال بودن یا نماینده جنوب بودن خاصیتش این است که

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

در وضع قانون، نیاز آن منطقه را شما می‌دانید و در قانون دخالت می‌دهید، نه اینکه قانون را فقط برای آن منطقه می‌نویسید؛ قانون برای همه است.^۱

۶-۲. لزوم پشتیبانی محتوایی قوانین

در مجلس شورای اسلامی قوانینی که وضع می‌شود باید از پشتوانه بسیار بالایی کارشناسی برخوردار باشد. کارشناسی هم در بُعد منطبق بودن قانون با شرع و منبعث بودن آن از آموزه‌های دینی و هم در دیگر ابعاد مد نظر است. از این رو لازم است علاوه بر کارشناسی که در کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی در مورد قوانین صورت می‌گیرد، مراکز دیگری نیز متولی این امر باشند. مقام معظم رهبری در بُعد شرعی و اسلامی تصمیمات و قوانین و مقررات معتقدند: «حوزه باید مراکز متعدد تحقیقاتی داشته باشد تا در تمام این زمینه‌ها، مثل یک مجموعه تولیدی مرتب و مدرن کار کند و محصول بدهد. اگر چنانچه دستگاه در مسئله‌ای دچار سؤال شد - مثل مسئله زمین و موسیقی و در یک چارچوب وسیع‌تر، سیستم اقتصادی و روابط خارجی و ارتباط با ملت‌ها و مسائل پولی و ارزش‌های کارگزاران حکومت و صدها مسئله از این قبیل که هر دستگاهی همواره با این سؤالات از لحاظ مبنایی مواجه است که ما بر چه اساسی قانون بگذرانیم و بر چه اساسی مقررات اداری بگذاریم و بر چه اساسی عمل بکنیم - بدانند که مرکزی این‌گونه سؤال‌ها را جواب می‌دهد».^۲

کارشناسی از دیگر ابعاد و خصوصاً ابعاد تخصصی قوانین نیز امری بسیار ضروری است. از دیدگاه مقام معظم رهبری استقلال مجلس با بهره‌گیری از نظرات کارشناسی در تدوین قوانین منافاتی ندارد: «وقتی که ما می‌گوییم نمایندگان مجلس مستقل باشند، یعنی به تشخیص خودشان نگاه کنند. البته از کارشناسان باید مدد بگیرند. کارشناسان هم در وزارتخانه‌ها و هم در دانشگاه‌ها و هم در خود مجلس هستند».^۳

ایشان نقش کمیسیون‌های مجلس را در تدوین قوانین مورد نیاز کشور، مهم دانسته و معتقدند: «از این کمیسیون‌ها نباید غفلت کرد؛ این کمیسیون‌ها مهم است؛ اینها اتاق‌های فکرند برای پخته کردن مسائل در صحن مجلس؛ بعد هم تصمیم‌گیری در صحن مجلس، یعنی تصمیم‌گیری برای سرنوشت کشور، نه فقط برای چهار سال. گاهی شما یک قانونی می‌گذارید، این قانون بیست سال در کشور اثرگذار است؛ یک خطی را معین می‌کند».^۴

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

۲. بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضیای حوزه علمیه قم، ۱۳۶۸/۰۹/۰۷.

۳. بیانات در دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.

۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۳/۲۴.



مرکز پژوهش‌های مجلس نیز از جمله نهادهایی است که در زمینه کارشناسی قوانین از اهمیت بالایی برخوردار است. مقام معظم رهبری معتقدند: «مرکز پژوهش‌های مجلس هم جای مهمی است؛ باید از نخبگان و فکر و نظر آنها در اینجا حداکثر استفاده بشود».^۱ «بحمدالله سیاست‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی با ملاحظه جوانب و رعایت آن مبانی و اصول، به سه قوه ابلاغ شد؛ این احتیاج دارد به قوانین. شما، هم در کمیسیون‌های اختصاصی و هم به خصوص در مرکز پژوهش‌ها حقیقتاً می‌توانید بر این پایه، طراح نظام اقتصادی باثباتی باشید که قوانین خودش را هم با خود داشته باشد؛ بعضی از قوانین حذف شود و بعضی از قوانین بیاید؛ منتها با یک ساخت مستحکم و پایدار که هر روز نخواهیم قوانین را وصله‌پینه کنیم».^۲

۳. جایگاه شورای نگهبان

نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است. در این نظام به نقش و جایگاه مردم در اداره امور کشور و مسیر و چارچوبی که خواست و اراده مردم در آن چارچوب، جامعه را به سرمنزل صلاح و فلاح می‌رساند، نیز مشخص شده است. این مسیر و چارچوب عبارت از: اسلام و تعالیم اسلامی است.

لزوم حرکت در این مسیر و عدم انحراف از آن به اندازه‌ای حائز اهمیت است که هر نوع کج‌روی و انحرافی از آن منجر به عدم مشروعیت نظام خواهد شد. از آنجا که قوانین، نرم‌افزار اداره امور کشور هستند، لازم است به‌گونه‌ای تنظیم و تدوین شوند که کوچک‌ترین انحرافی از اصول و تعالیم اسلامی در آنها به چشم نخورد. از این رو به‌منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورای نگهبان تشکیل شده است.

۳-۱. شورای نگهبان، ضامن اسلامیت نظام اسلامی

از دیدگاه مقام معظم رهبری، شورای نگهبان دستگاهی است که قانون اساسی آن را وسیله تضمین حقیقت این نظام قرار داده است. ایشان معتقدند اگر شورای نگهبان نمی‌بود و نباشد، یا تضعیف بشود، یا کار خودش را انجام ندهد، حرکت اسلامی این نظام زیر سؤال خواهد رفت. زیرا حرکت نظام براساس قوانین است و اگر قوانین اسلامی بود، نظام ما اسلامی است.^۳

شورای نگهبان نقطه تضمین و تأمین برای نظام اسلامی است.^۴ این شورا علاوه بر اینکه مانع

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۹/۰۷/۱۱.

۴. بیانات در دیدار اعضای هیئت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴.

از انحراف نظام اسلامی از خط دین و اسلام می‌شود، مانع انحراف نظام از خط قانون اساسی خواهد شد.

از نظر مقام معظم رهبری، قانون اساسی ستون فقرات نظام و در حقیقت مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام است. شورای نگهبان نمی‌گذارد که دستگاه‌های کشور از قانون اساسی منحرف شوند و نمی‌گذارد که قوانین مخالف قانون اساسی تصویب و اجرا شود.^۱

فصل چهارم - قانون‌گرایی

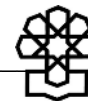
قانون هر اندازه در چارچوب اصول و مبانی باشد و توسط مقنن خردمند وضع شود، مادامی که در عمل مورد اعتنا قرار نگیرد، نخواهد توانست اهداف خود را تأمین کند. از این رو لزوم قانون‌گرایی از جمله مسائل بسیار اساسی است که جایگاه رفیعی از نظر مقام معظم رهبری دارد.

۱. ولی فقیه و قانون

در نظام اسلامی، ولی فقیه ضامن احکام اسلامی و حافظ منافع مسلمین در اداره کشور، تأمین نیازها و خدمات عمومی، حفظ صلح و امنیت اجتماعی و نیز ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل خود بوده و از اختیارات وسیعی همانند حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) برخوردار می‌باشد. از آنجایی که انجام همه امور از عهده یک فرد خارج است، نهادهای مختلفی به‌عنوان نمایندگان و بازوان ولی فقیه در جامعه اسلامی این امور گوناگون را زیر نظر او انجام می‌دهند. در امر قانونگذاری، مجلس شورای اسلامی از جانب ولی فقیه نقش قانونگذاری را به عهده دارد.

علاوه بر این نهادهای مختلف اداره‌کننده کشور، در مواقعی ممکن است، به بن‌بست‌هایی در اداره امور برخورد کنند که برای رهایی از آن چاره‌ای جز نقض موقت برخی قوانین وجود نداشته باشد. در چنین مواقعی اختیارات مطلقه ولی فقیه در اداره امور کشور راهگشا خواهد بود.

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «بعضی‌ها خیال می‌کنند که این «ولایت مطلقه فقیه» که در قانون اساسی آمده، معنایش این است که رهبری مطلق‌العنان است و هر کار که دلش بخواهد، می‌تواند بکند! معنای ولایت مطلقه این نیست. رهبری بایستی موبه‌مو قوانین را اجرا کند و به آنها احترام بگذارد. منتها در مواردی اگر مسئولان و دست‌اندرکاران امور بخواهند قانونی را که معتبر است، موبه‌مو عمل کنند، دچار مشکل می‌شوند. قانون بشری همین‌طور است. قانون اساسی راه



چاره‌ای را باز کرده و گفته آنجایی که مسئولان امور در اجرای فلان قانون مالیاتی یا سیاست خارجی، بازرگانی، صنعتی و دانشگاهی دچار مزیقه می‌شوند و هیچ‌کار نمی‌توانند بکنند - مجلس هم این‌طور نیست که امروز شما چیزی را ببرید و فردا تصویب کنند و به شما جواب دهند - رهبری مرجع است.

زمان امام هم همین‌طور بود. بنده خودم آنوقت رئیس‌جمهور بودم و جایی که مزیقه‌هایی داشتیم، به امام نامه می‌نوشتیم و ایشان اجازه می‌دادند. بعد از امام، دولت قبلی و دولت فعلی گاهی راجع به مسائل گوناگون نامه می‌نویسند که در اینجا مزیقه وجود دارد، شما اجازه بدهید که این بخش از قانون نقض شود. رهبری بررسی و دقت می‌کند و اگر احساس کرد که بناگزییر باید این‌کار را بکند، آن را انجام می‌دهد. جاهایی هم که به‌صورت معضل مهم کشوری است، به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع می‌شود. این معنای ولایت مطلقه است، والا رهبر، رئیس‌جمهور، وزرا و نمایندگان، همه در مقابل قانون تسلیمند و باید تسلیم باشند»^۱.

گاهی اوقات ممکن است ولی فقیه برای رسیدن به هدفی که برای نظام اسلامی ضروری است، راه میانبری را انتخاب کند که برتر از سیر خط قانونی است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «حضرت امام (ره) مطلبی را در نظر داشتند که من هم در آنوقت عیناً همان نظر ایشان را قبول داشتم و الان هم قبول دارم و آن این است که در مواردی، چون وضع ما وضع بدی است و از آن خط منطقی و درست خیلی عقبیم و تا بخواهیم خودمان را به آن خط - که خط قانونی است - برسانیم، احتیاج به راه میانبر داریم و اگر بخواهیم از راه میانبر حرکت نکنیم، ممکن است تا آنجا می‌رسیم، کار از کار گذشته باشد، اینجاست که حاکم شرع و «من له الخيار» در این امر، یک راه میانبر را اختیار می‌کند.

این، در اختیار همه نمی‌باشد و این‌طور نیست که هر کس و هر قاضی و هر دادستان و هر مسئولی در گوشه‌ای بخواهد چیزی را برخلاف قانون بگوید و مطرح کند که این قانون، قانون دست و پاگیری است و ما جلوی‌ش را می‌بندیم. نه، این‌طور نیست. این اختیارات، موارد کاملاً محدودی دارد که خود آن، یک قانون است و «من له الخيار» در جامعه اسلامی وجود دارد که با اجازه و رأی و اذن او، می‌شود راه‌های میانبری را برای رسیدن به آن حداقل مشی کرد که از آنجا انسان شروع کند و براساس قانون حرکت نماید و برود. این، فقط مستثناست و لاغیر»^۲.

۱. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶.

۲. بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۶۸/۰۶/۲۰.

۲. اهمیت قانون‌گرایی

هدف از وضع قانون، برقراری نظم و امنیت و عدالت جهت نیل به کمال و سعادت جوامع انسانی است. تحقق این هدف در گرو قانون‌گرایی همه شهروندان می‌باشد.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، قانون‌گرایی ریشه در تقوا دارد: «از جمله مواردی که باید از تقوای مسئولان و نظام بروز کند، رعایت حدود قانونی در همه بخش‌هاست و عدم تخطی از آنچه که قانون اساسی و قوانین معتبر برای بخش‌ها و دستگاه‌های مختلف معین کرده‌اند. تخطی از این قوانین، در مواردی مشکل بزرگ فساد اقتصادی و فساد دستگاه‌های مسئول را به وجود می‌آورد و یا موجب تعارض بین دستگاه‌های مختلف و تشتت و بگو مگوهای مضر و مفسده‌انگیز می‌شود».^۱

قانون‌گرایی در واقع رام کردن میل به دیکتاتوری در انسان‌هاست. در همین زمینه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «نقطه مقابل قانون‌گرایی و انقیاد در مقابل قانون، دیکتاتوری است».^۲ توضیح اینکه «در زمینه روحی همه ما یک میل به دیکتاتوری وجود دارد؛ این را باید سرکوب کرد و این فیل مست درون را باید با چکش قانون و دین و تعبد دائماً سر به راه نگه داشت. اگر انقیاد به قانون نبود، روح دیکتاتوری یواش یواش بروز خواهد کرد. در جوامع، دیکتاتوری همین جور به وجود می‌آید».^۳

۳. تساوی در برابر قانون

همه در مقابل قانون مساویند و هیچ کس در برخورداری از مواهب قانونی، بر دیگری برتری ندارد. از دیدگاه مقام معظم رهبری هیچ کس مصونیت آهین ندارد. همه در مقابل قانون و مسئولیت‌های خودشان پاسخگو هستند و باید جواب بدهند.^۴ حتی رهبری نظام هم در مقابل قانون با سایرین برابر است.

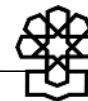
ایشان در همین زمینه می‌فرمایند: «از جنبه مادی، حکومت برای شخص حاکم و ولی و تشکیلات حکومتی، به‌عنوان یک طعمه نباید محسوب شود؛ والا ولایت نیست. اگر آن کسی که در رأس حکومت اسلامی است، برای حکومت، برای خود، برای این شأن و مقامی که به او رسیده است یا می‌خواهد به او برسد، کیسه مادی دوخته باشد، آن شخص، ولی نیست؛ آن حکومت هم ولایت نیست. در حکومت اسلامی، کسی که ولی‌امر است - یعنی کار اداره نظام سیاسی به او سپرده شده است - از لحاظ قانون با دیگران یکسان است. او حق دارد بسیاری از کارهای بزرگ را برای مردم

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۰۸/۱۱.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

۳. همان.

۴. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲.



و کشور و اسلام و مسلمین انجام دهد؛ اما خودش محکوم قانون است»^۱. ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «در قانون اساسی، رهبری، رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و دیگر مسئولان کشور، با آحاد مردم در قبال قوانین هیچ تفاوتی ندارند. هیچ‌کس بالاتر از قانون نیست. قانون اساسی اختیاراتی را به کسانی می‌دهد. قانون اساسی به قاضی می‌گوید محکوم یا تبرئه کن؛ حکم قضایی صادر کن. به رهبری هم می‌گوید با ملاحظه این جهات، عفو کن. این مافوق قانون حرکت کردن نیست؛ این متن و مر قانون است. قانون برای همه یکسان است. برای کسانی که گره‌هایی را باز کنند، راه‌هایی را بکشایند و مشکلاتی را حل نمایند، مسئولیت‌هایی وجود دارد. آنجایی که قانون در میان است، همه یکسانند. این امر بسیار مهمی در اسلام است»^۲.

۴. عمل به قانون

از دیدگاه مقام معظم رهبری، پس از آنکه قانون با سازوکار قانون اساسی تصویب و نهایی شد، حتی اگر از دید برخی‌ها دارای ضعف یا نواقصی باشد، لازم است به آن قانون عمل شود و وجود نقص یا ضعف بهانه‌ای برای نقض قانون نشود.

ایشان معتقدند «وقتی که قانون با سازوکار قانون اساسی پیش رفت - حتمیت و جزمیت پیدا می‌کند. تا مادامی که قانون، قانون است، حتماً بایستی به آن عمل بشود و به آن اهمیت داده بشود»^۳. حتی خود رهبری نیز با اینکه در برخی موارد، قوانینی را قبول ندارد، ولی پس از طی روال قانونی، خود را ملزم به رعایت آن می‌داند مگر در برخی موارد که قانون تصویب شده منجر به انحراف از مسیر نظام اسلامی شود که در این مواقع، از آن قانون جلوگیری به عمل می‌آید.

ایشان در همین زمینه می‌فرمایند: «رهبری در مسئولیت‌های این دستگاه‌ها دخالت نمی‌کند، مگر خیلی به ندرت و در مواردی که احساس کند تخلف آشکاری صورت می‌گیرد. مسئولیت‌های مجلس با خود مجلس است. بنده به خیلی از این قوانینی که در مجلس تنظیم می‌شود، اعتقادی ندارم و آنها را قبول ندارم، ولی وقتی قانون شد، بنده هم به صورت یک قانون عمل می‌کنم و مخالفت نمی‌کنم. موارد متعددی پیش می‌آید، از اقدام‌هایی که در دولت انجام می‌گیرد و مورد قبول من نیست؛ اما مسئولانی دارد که تنظیم و تصمیم‌گیری کرده‌اند؛ وظیفه آنهاست. اگر آن تصمیم‌گیری شامل خود رهبری هم باشد، ما طبق آن تصمیم‌گیری عمل می‌کنیم و نمی‌گوییم نه؛ اما جاهایی هست که رهبری احساس می‌کند اگر در اینجا به مسئولی که وظیفه‌ای داشته و به آن توجه نکرده، تذکر و توجه

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) در مشهد مقدس، ۱۳۷۹/۰۱/۰۶.

۲. بیانات در دیدار با مسئولان قوه قضائیه و خانواده‌های شهدای هفتم تیر، ۱۳۷۹/۰۴/۰۷.

۳. دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۷/۰۶/۰۲.

دهد، زاویه بسیار خطرناکی در مسیر عمومی ملت پیش می‌آید. لذا وارد میدان می‌شود. در مورد این دوره مجلس شورای اسلامی یکبار چنین چیزی تقریباً در دو یا دو سال و نیم قبل پیش آمد و آن در قضیه قانون مطبوعات بود که بنده احساس کردم تکلیف شرعی دارم که به مجلس تذکر دهم و تذکر دادم»^۱.

۵. بایسته‌های اعمال قانون

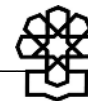
پس از آنکه قانونی تصویب شد و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت همه باید به آن عمل کنند، ولی گاهی مشاهده می‌شود که عده‌ای در مقام عمل به قانون نظرات و سلیقه شخصی خود را دخیل می‌کنند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری در زمینه عمل به قانون آنچه اهمیت دارد، باید امر قانون باشد و در مقام عمل به قانون از هرگونه اعمال نظر و اعمال سلیقه شخصی خودداری کرد.^۲ علاوه بر اینکه در اجرای قانون باید مرّ قانون را عمل کرد، لازم است به ظرافت‌هایی که در زمینه اجرا و اعمال قوانین وجود دارد، نیز توجه داشت. در مورد قوانینی که از مردم، انجام یا ترک کاری را می‌خواهد این امر اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. زیرا در چنین مواردی دو عنصر اقتدار و رحمت باید در کنار هم مد نظر قرار گیرد.

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «مراقب باشید خط مستقیم و راه شناخته شده و درست را - که راه وظیفه و راه قانون است - از دست ندهید و رها نکنید. انسان وقتی با مردم مواجه است، کار ظرافت پیدا می‌کند. هم انجام وظیفه، هم نشان دادن اقتدار قانون، هم جلوگیری از هرگونه تخطی و تجاوز از قانون، هم نشان دادن صلابت انجام وظیفه، هم نشان دادن رحمت؛ ببینید مرز اینها چقدر به هم نزدیک است و چقدر این خطی که از میانه این همه نشانه و علائم می‌گذرد، خط ظریفی است. هرچه موفقیت در این نظام و برای این مردم به وجود آمده است، برای رعایت همین خصوصیات است. از طرفی رعایت وظیفه و رعایت قانون؛ از طرفی محبت به مردم، به کسانی که انسان با آنها مواجه می‌شود؛ سختگیری در موارد تخلف؛ در عین حال محبت و گذشت در موارد قابل گذشت؛ خود را، احساسات خود را، شأن خود را در مقابل وظیفه نادیده گرفتن؛ ابزار قانونی را، امکان شخصی را به عنوان وسیله‌ای برای تقرب الی‌الله به کار بردن. ببینید؛ وقتی همه این چیزها

۱. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶.

۲. بیانات در دیدار جمعی از ناظران و اعضای هیئت نظارت شورای نگهبان و هیئت اجرایی در انتخابات مجلس خبرگان و مسئولان وزارت کشور، ۱۳۶۹/۰۷/۰۴.



با هم شود، آنوقت فضل و کمک و تأیید الهی حتمی است»^۱.

۶. قانون‌دان‌های قانون‌شکن

در جامعه همواره عده‌ای وجود دارند که سعی می‌کنند جهت رسیدن به اهداف خود، ظاهر قانون را حفظ کرده، ولی برخلاف روح قانون عمل کنند. این افراد را می‌توان قانون‌دان‌های قانون‌شکن نامید. مقام معظم رهبری در مورد این قبیل افراد می‌فرماید: «قانون‌دان‌های قانون‌شکن، خطرناک‌تر از همه‌اند؛ چرا که آنها قانون را خوب بلدند، پیچ و خم‌ها و دالان‌های تودرتوی قانون را خوب می‌شناسند، اما خودشان قانون‌شکنند؛ بدون اینکه معلوم شود کارشان قانون‌شکنی است»^۲. برخی دیگر از افراد نیز سعی می‌کنند با استفاده از حیل‌هایی، قانون را دور زده و به اهداف خود برسند. مقام معظم رهبری معتقدند به کار بردن حیل‌های اصحاب السبّتی در عمل به قانون، ممنوع است.

ایشان درباره این مطلب می‌فرمایند: «بعضی قانون را طوری عمل می‌کنند که اصحاب سبّت عمل کردند! اصحاب سبّت هم عین مر قانون عمل کردند؛ یعنی خدا گفته بود روز شنبه ماهی نگیرید، اینها هم روز شنبه ماهی نگرفتند. بله؛ کار کوچکی کردند که آن هم رسماً منع نشده بود و آن، این بود که حفره‌هایی درست کردند، ماهی‌ها داخل آن حفره‌ها آمدند، راه آن حفره‌ها را در روز شنبه بستند، تا ماهی نتواند برگردد! روز شنبه این کار را کردند، روز یکشنبه همان ماهی‌ها را گرفتند! این، ظاهر قانون است. اگر شما نگاه کنید، این مثل همان کلاه شرعی‌هایی است که یک ربای سنگین کذایی را با یک شاخه نبات جابجا می‌کردند! قانون بود، ظاهر شرع بود؛ اما امام بزرگوار (ره) که یک فقیه قوی آگاه به لب و روح دین بود، قبل از اینکه تشکیل حکومت بدهد، این را منع کرد. جزو فتاوی ایشان - که در دوران مبارزه، ما به آن فتوا افتخار می‌کردیم و همه جا هم نقل می‌نمودیم - منع حیل ربا بود. ایشان مطلقاً حیل ربا را منع کرد. شما آقایان، حیل قانون را هم منع کنید و جلوش را بگیرید. بعضی از شرکت‌ها و بعضی از مجموعه‌های علی‌الظاهر قانونی، حامل باطن اصحاب السبّتی هستند. مواظب باشید کسانی که می‌خواهند از قانون بگریزند، شما را به این دام نیاندازند؛ نیایند شما را قانع کنند که این کار قانونی است»^۳.

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و گروهی از پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۷۸/۰۷/۱۷.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصالای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰.

۳. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت وزیران به مناسبت آغاز هفته دولت، ۱۳۷۶/۰۶/۰۲.

۷. پرهیز از قانون‌شکنی

از دیدگاه مقام معظم رهبری، در اسلام امر به معروف و نهی از منکر جایگاه بسیار رفیعی دارد و نباید نزد عده‌ای بهانه برای نقض قانون شود. ایشان معتقدند امر به معروف و نهی از منکر لسانی بر همگان لازم و واجب است، اما امر به معروف عملی، وظیفه حکومت است و هیچ کس حق ندارد به بهانه مقابله با منکر، قانون‌شکنی کند.

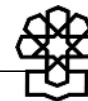
از دیدگاه ایشان، قانون‌شکنی جرم است و تخلف از قانون و خروج از مدار قانونی برای مقابله با هر چیزی که به نظر انسان منکر می‌آید - بدون اجازه حکومت - خودش یک جرم است؛ مگر نهی از منکر زبانی. در اندیشه مقام معظم رهبری نهی از منکر زبانی جایز و واجب و وظیفه همه است و در هیچ شرایطی هم ساقط نمی‌شود؛ اما آنجایی که نوبت اجرا و عمل برسد، همه باید طبق قوانین عمل کنند و هیچ چیزی مجوز این نیست که به بهانه اینکه چون نیروی انتظامی و قوه قضائیه عمل نکردند، خود افراد اقداماتی انجام دهند.^۱

۸. لزوم فرهنگ قانون‌گرایی

از دیدگاه مقام معظم رهبری برای اینکه کشور و مردمی قانون‌مدار داشته باشیم، لازم است فرهنگ قانون‌مداری در کشور ایجاد شود. از دیدگاه ایشان لازم است قانون در تمام امور کشور، یک شاخص، یک محور، یک فصل‌الخطاب محسوب شود. ایشان معتقدند اگر ما قانون‌مدار باشیم، واقعاً قانون، زندگی مردم را روان خواهد کرد.

ایشان این مسئله را به چراغ‌های سبز و قرمز سر تقاطع‌ها تشبیه کرده و چنین می‌فرمایند: «ببینید رعایت نکردن این مسئله چقدر مشکل ایجاد می‌کند. خوب، شما با اتومبیل‌تان رسیدید سر چهارراه. فرض کنید یک دقیقه، دو دقیقه چراغ سبز بود و داشتند می‌رفتند؛ تا شما رسیدید، قرمز شد. سخت است دیگر؛ باید حالا مدتی اینجا بایستید. ورود شما در این منطقه ممنوعه، برای خاطر آسایش خودتان و دل خودتان، موجب می‌شود که چند ده برابر شما گاهی آدم و اتومبیل در دو طرف مسیر کارشان دچار اختلال بشود؛ آن کسی هم که به عنوان پلیس راهنمایی آن وسط ایستاده که باید کار را تنظیم کند، دچار مشکل بشود. خوب، قانون را رعایت کنید تا این همه مشکل به وجود نیاید. ببینید، این یک مثال واضحی است که به طور روزمره با آن مواجهیم و لذا غالباً هم رعایت می‌کنند. همه جاها قانون همین است. اگر رعایت قانون شد، کارها روان می‌شود؛ اگر بی‌قانونی آمد وسط میدان - که هر کسی هم برای بی‌قانونی خودش بالاخره یک توجیهی دارد؛ یکی می‌گوید آقا این قانون حق

۱. بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی، ۱۳۸۰/۰۵/۱۱.



من را ضایع کرد، این قانون نمی‌دانم چنین بود، این قانون چنان بود؛ اما این توجیه‌ها قابل قبول نیست، کارها مختل می‌شود»^۱.

نتیجه‌گیری

امر ولایت در تفکر اسلامی تنها از آن خداست و از همین رو تنها او منحصراً و اصالتاً قانونگذار است و هر نوع قانونگذاری از غیر او، نیازمند اجازه گرفتن از او خواهد بود. در این صورت قانونگذاری پیامبران الهی، ائمه اطهار (ع) و نیز ولی فقیه در عصر غیبت، در امتداد قانونگذاری خداوند دیده شده است.

از نظر مقام معظم رهبری، قانونگذاری در مجلس شورای اسلامی، توسط نمایندگان ملت در راستای ولایت الهی قابل بررسی است و نمایندگان مجلس مکلفند، این نمایندگی را از طریقی که در قانون اساسی برای مجاری اعمال ولایت الهی معین شده، اعمال نمایند. بر این مبنا لازم است نمایندگان مجلس در ایفای وظیفه قانونگذاری خود، قانونی را وضع کنند که از مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی برخوردار باشد.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، مشروعیت قوانین در گرو انطباق آن با شرع بوده و مقبولیت آن در گرو معطوف بودن به نیازهای مردم است. از نظر ایشان، قوانین در جمهوری اسلامی ایران تحقق بخش ضوابط اسلام و جاده حرکت به سمت اهداف و نرم‌افزار اداره کشور است. از این رو لازم است از برخی اوصاف و ویژگی‌ها برخوردار باشد تا بتواند اهداف خود را تأمین کند. از سویی عادلانه بودن، استحکام و ثبات، کارآمدی، شفاف و به‌روز بودن، مناسب با نیازهای کشور بودن، جامع و مانع بودن از جمله اوصافی است که یک قانون مطلوب باید از آن برخوردار باشد.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، قانون پس از آنکه به لحاظ شرایط و ضوابط توسط مجلس شورای اسلامی وضع و به تأیید شورای نگهبان رسید، جزء حدود الله است و همگان باید خود را ملزم به اطاعت از آن بدانند و برای نیل به این مهم لازم است، فرهنگ قانون‌گرایی در کشور بین همگان اعم از مسئولین و مردم نهادینه شود. با تحقق این امر، قوانین می‌توانند هدف از وضع خود را که تأمین سعادت دنیوی و اخروی شهروندان یک جامعه است، تأمین کنند و برپایه آن کشور و جامعه اسلامی در برابر دیدگان همه مردم جهان، الگو و نمونه شود.

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. قانون اساسی.
۳. امام خمینی (ره). صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۸، ج ۲.
۴. امام خمینی (ره). الرسائل، اسماعیلیان، قم، ۱۳۴۳.
۵. امام خمینی (ره). کشف الاسرار، انتشارات مصطفوی، بی‌تا.
۶. امام خمینی (ره). ولایت فقیه، سپهر، قم، ۱۳۵۷.
۷. انصاری، مجید. جایگاه سیاست‌های کلی در نظام قانونگذاری در ایران، مجموعه مقالات همایش یکصدمین سال قانونگذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶.
۸. ارسطو. سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۱.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله. ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، نشر اسراء، ۱۳۷۹.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله. انتظار بشر از دین، نشر اسراء، ۱۳۸۰.
۱۲. جوادی آملی عبدالله. تسنیم، نشر اسراء، ج ۱، ۱۳۷۸.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله. حق و تکلیف در اسلام، اسراء، ۱۳۸۴.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله. شریعت در آئینه معرفت، اسراء، ۱۳۷۷.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله. فلسفه حقوق بشر، نشر اسراء، ۱۳۷۵.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله. نسبت دین و دنیا، نشر اسراء، ۱۳۸۱.
۱۷. راسخ، محمد. بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، زمستان ۱۳۸۴.
۱۸. روسو، ژان ژاک. قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۰.
۱۹. دورکین، رونالد. نافرمانی مدنی، ترجمه محمدراسخ، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین. شیعه در اسلام، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۵۴.
۲۱. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل. بایسته‌های حقوق اساسی، دادگستر، ۱۳۷۵.
۲۲. قانون و قانونگذاری در آرای اندیشمندان شیعه، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۹.
۲۳. کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
۲۴. کلینی، محمد. الکافی، اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۱.
۲۵. محمصانی، صبجی. فلسفه قانونگذاری در اسلام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸.
۲۶. مدرس، منصور. فرهنگ توصیفی واژگان برنامه‌ریزی و توسعه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران، ۱۳۸۵.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی. توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام، انتشارات شفق، ۱۳۷۳.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی. نظریه حقوقی اسلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰.
۲۹. معین، محمد. فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
۳۰. موسوی، سیدفضل الله. چرایی تصویب یک قانون و زمان مناسب آن، مجموعه مقالات همایش یکصدمین



شماره مسلسل: ۱۲۷۲۵

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: قانون در اندیشه مقام معظم رهبری

نام گروه: گروه مطالعات بنیادین حکومتی

تهیه و تدوین: محسن داوری

ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۰/۱۱